

روایت را باختیم

محمدجواد ظریف

چهار تراستی مسئله‌دار

ورود مجلس به پرونده فروش نفت

جنایت آمریکایی

گزارش سازمان ملل درباره بمباران سبیریک

آتش در شام

اعتراض سوری‌ها به قیمت بنزین

توسعه ۶

دوربرگردان اقتصادی

احسان خاندوزی به‌جای علی آقامحمدی
رئیس گروه اقتصادی دفتر رهبری شد

یادداشت روز

پیشنهاداتی برای ایران

تلاش برای اجرای موفق تفاهم‌نامه اسلام‌آباد،
مستلزم شکل‌گیری و اجرای یک
«تفاهم‌نامه ملی و داخلی» است

علی‌محمد حاضری

دبیرکل انجمن اسلامی
مدرسین دانشگاهها

کشور عزیزمان ایران، امروز با مخاطراتی عظیم روبه‌روست و تلاش برای عبور هرچه کم‌هزینه‌تر و کم‌خطرتر از این شرایط، وظیفه همه دلبستگان به رفاه ملت، آبادانی و سرزندگی میهن عزیزمان است. در چنین شرایطی ملاحظات زیر قابل طرح و تأمل است:

ضرورت عبور عزتمندانه

از وضعیت «نه جنگ، نه صلح»

اصلی‌ترین مسئله امروز جامعه ایران، عبور صلح‌آمیز و عزتمندانه از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» و جنگ پراکنده‌ای است که کشور را آن مواجهه بوده است. خوشبختانه در پرتو مقاومت جانانه و شگفت‌آفرین نیروهای رزمنده همچنین دیپلماسی هوشمندانه، که با حمایت گسترده ملی مردم و تدبیر قابل تقدیر در اداره امور کشور از سوی دولت محترم همراه بود، دشمنان از تحقق اهداف خود از مسیر جنگ تمام‌عیار ناامید شدند و به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد تن دادند. سندی که به اعتراف دوست و دشمن، بنیان‌های مناسبی برای دستیابی به صلحی شرافتمندانه و پایدار برای ایران فراهم کرده است.

امروز وظیفه همه نیروهای وطن‌پرست، دفاع و حمایت از اجرای دقیق این تفاهم‌نامه از موضعی عزتمندانه است. باید هوشیارانه، هزینه نقض احتمالی آن را بر دشمنان تحمیل کرد؛ نه اینکه به بهانه نقض تعهدات از سوی دشمن، ما نیز متقابلاً اقداماتی انجام دهیم که در عمل هزینه نقض را برای طرف مقابل کاهش دهد. در این مسیر آنچه موجب نگرانی است، اقدامات به اصطلاح «دفاع پیش‌دستانه» یا خودسری‌های غیرمسئولانه‌ای است که ممکن است، زمینه‌ساز و توجیه‌کننده تهاجمی گسترده و شکل‌گیری ائتلافی از سوی دشمنان علیه کشور شود. این امر به‌ویژه از آن جهت خطرناک است که با تهاجمات اولیه دشمنان در دو جنگ قبلی - که با ادعاهای دروغین «جنگ پیشگیرانه» توجیه شده بود - گزینه‌سازی می‌شود و می‌تواند مظلومیت ایران را نزد افکار عمومی جهانی خدشه‌دار کند. در هر حال، تأکید ما بر اهمیت راهبردهای دیپلماتیک و مذاکره در تداوم و حفظ دستاوردهای به‌دست‌آمده، است. مقابله با بدعهدی‌های طرف مقابل نیز حتی‌الامکان باید از مسیر دیپلماسی و مذاکره و با حفظ عزت و منافع ملی دنبال شود.

انسجام ملی؛

پشتوانه اصلی صلح و دفاع ملی

پشتوانه محکم دفاع از اجرای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، حفظ انسجام ملی و پاسخگویی مناسب به حرکت افتخارآفرین ملتی است که پیرغم نارضایتی‌ها و حتی اعتراض به شیوه‌های حکمرانی صراحتاً تجاوز را محکوم کرد و دفاعی ملی و یکپارچه را به نمایش گذاشت. این همبستگی تا آنجا فراگیر شد که بسیاری از زندانیان سیاسی و امنیتی و نیز شمار زیادی از مهاجران خارج از کشور - که برخی در شرایطی شبه‌تبعید یا مهاجرتی ناخواسته به‌سر می‌برند - نیز به این دفاع ملی پیوستند و تجاوز مهاجمان را محکوم کردند. عظمت این امر آنگاه بهتر درک می‌شود که حوادث خونبار و ناگوار دی‌ماه ۱۴۰۴ را به‌یاد آوریم که به تعبیر آقای خاتمی «خط فاصل خونینی» را رقم زد و دشمن را به طمع انداخته بود.

ادامه در صفحه ۲

قتل عام سیستماتیک

فیلم مستند نازا، ساخته دو فیلم‌ساز اسرائیلی که به پشت پرده کشتار مردم غزه می‌پردازد جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره ونیز را دریافت کرد. در واکنش به نمایش این فیلم، مقامات رژیم اسرائیل علیه سازندگان آن اعلام جرم کرده و خواستار لغو تابعیت آنها شدند. سازندگی به این موضوع پرداخته است

امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ



مستندی که قرار بود روایتی از سازوکار جنگ در غزه باشد، حالا خود به یکی از موضوعات مناقشه‌برانگیز در داخل اسرائیل تبدیل شده است. «نازا»، ساخته یووال آبراهام و راشل زور، دو فیلم‌ساز اسرائیلی، در جشنواره فیلم ونیز با استقبال گسترده منتقدان و تماشاگران روبه‌رو شد اما همزمان

واکنش تند مقام‌های اسرائیلی را نیز برانگیخت؛ واکنش‌هایی که از اتهام «خیانت» تا درخواست برای بررسی اقدامات قانونی علیه سازندگان و منابع فیلم را در برمی‌گیرد. «نازا»

مستندی ۸۰ دقیقه‌ای است که حاصل نزدیک به سه سال تحقیق است و تلاش می‌کند از خلال گفت‌وگو با نیروهای نظامی و اطلاعاتی اسرائیل، تصویری از سازوکار تصمیم‌گیری

برای حملات در غزه ارائه دهد. منابع فیلم ناشناس باقی مانده‌اند، چهره و صدای آنها به‌صورت دیجیتالی تغییر داده شده و گفت‌وگوها عمدتاً شب‌ها روی پشت‌بام‌هایی در تل‌آویو ضبط شده است؛ انتخابی که از همان ابتدا بر فضای مخفیانه و پرمخاطره روایت تأکید می‌کند. آبراهام و زور پیش از این نیز با ساخت مستند «سرزمین دیگری نیست» نام خود را در سینمای سیاسی جهان مطرح کرده بودند.

ادامه در صفحه ۴



سیاست

روایت را با ختیم

ظریف: در صحنه واقعیت موفق
اما در روایت همیشه بازنده بودیم



گروه سیاسی: در سیاست، پایان یک رویداد لزوماً پایان ماجرا نیست؛ آنچه پس از یک اتفاق در ذهن جامعه می‌ماند، می‌تواند به اندازه خود آن اتفاق تعیین‌کننده باشد. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین، در مراسم چهلمین روز درگذشت ابوالقاسم قاسم‌زاده، پیشکسوت روزنامه‌نگاری در مؤسسه اطلاعات، از همین زاویه به یکی از چالش‌های مهم سیاست ایران یعنی فاصله میان «واقعیت» و «روایت» پرداخت. او معتقد است ایران در بسیاری از مقاطع در میدان عمل توانسته نقش مؤثری ایفا کند اما در انتقال آنچه به‌دست آورده به افکار عمومی، چه در داخل و چه در عرصه بین‌المللی، موفق نبوده است. ظریف در این باره گفت: «در صحنه واقعیت توانستیم، نقش خوبی ایفا کنیم اما در صحنه روایت همیشه بازنده بودیم».

این نگاه در شرایطی مطرح می‌شود که «روایت» در جهان امروز به بخشی از قدرت سیاسی کشورها تبدیل شده و در منازعات سیاسی و امنیتی، آن طرفی که بتواند تصویر خود از یک رویداد را به روایت غالب تبدیل کند عملاً بخشی از میدان را نیز در اختیار گرفته است. به همین دلیل یک دستاورد میدانی بدون روایت مؤثر، ممکن است نتواند به سرمایه اجتماعی و سیاسی تبدیل شود.

ظریف، زندگی این روزنامه‌نگار را تبلور دو نیاز جامعه ایران دانست و گفت: «نیاز اول آگاهی و نیاز دوم روایت جامعه ما از ادراک است. ما با کمبود ادراکی مواجه هستیم و نیاز به فهم و دیدن آنچه در جهان می‌گذرد، داریم». در این نگاه، رسانه فقط انتقال‌دهنده خبر نیست؛ بلکه بخشی از فرآیند شکل‌گیری ادراک سیاسی جامعه است. قاسم‌زاده، به روایت ظریف، سال‌ها تلاش کرد این نقش را جدی بگیرد. چه در صداوسیما و برون‌مرزی و چه در روزنامه اطلاعات، تلاش او این بود که تصویری روشن از واقعیت‌های بیرونی ارائه دهد و روشنگری و راستگویی را قربانی مصلحت نکند. ظریف نیز تأکید کرد: «جامعه‌ای که قاسم‌زاده را برنتابد و تعدادی متملق را به جایگاه رفیع برساند حتماً کمبودی دارد». او ادامه داد: «قاسم‌زاده این کمبود را به خوبی درک می‌کرد و تا آخر عمر تلاش کرد که این کمبود را جبران کند».

ظریف در ادامه، بحث خود را به تحولات اخیر کشور پیوند زد و با اشاره به جنگ اخیر گفت: «در جنگ اخیر مقاومت مردم و ایستادگی در برابر دو قدرت بزرگ شیطان‌ی توانست خیلی اثرگذار باشد اما در صحنه روایت توانستیم آنگونه که باید موفق باشیم».

این بخش از سخنان ظریف را می‌توان، نقدی به یکی از ضعف‌های مزمن سیاست‌ورزی در ایران دانست: تصور اینکه موفقیت در میدان عمل، خودبه‌خود به موفقیت در افکار عمومی منجر می‌شود. درحالی که میان این دو فاصله وجود دارد. دستاورد سیاسی، امنیتی یا نظامی زمانی به قدرت پایدار تبدیل می‌شود که بتوان درباره چرایی، هزینه‌ها، نتایج و معنای آن برای جامعه، روایتی روشن و قابل فهم ارائه کرد.

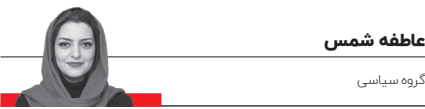
به همین دلیل است که ظریف «روایت» را در کنار «ادراک» قرار می‌دهد. اگر جامعه نتواند واقعیت را درست بفهمد، روایت‌های رقیب جای آن را پر خواهند کرد و اگر روایت رسمی نتواند واقعیت را دقیق، صادقانه و قابل فهم توضیح دهد دیگران روایت خود را به‌جای آن خواهند نشاند. ظریف در پایان بر همین نیاز تأکید کرد: «جامعه ما نیازمند ادراک و روایت است و بزرگ‌مردان و بزرگ‌زنان این جامعه باید در این حوزه فعال باشند».

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

چهار تراستی مسالک‌دار

ورود مجلس به پرونده مجوز فروش ۸۰ میلیون بشکه نفت پس از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد



۸۰ میلیون بشکه نفت به چهار تراستی؛ حالا مجلس می‌خواهد بداند این حجم بزرگ از نفت دقیقاً با چه مجوزی و براساس چه معیاری در اختیار این چهار نفر قرار گرفته است. علیرضا سلیمی، عضو هیأت‌رئیس مجلس، درباره این پرونده چند سوال جدی مطرح کرده است: این چهار تراستی چگونه انتخاب شدند؟ صلاحیت‌شان بر چه اساسی تأیید شد؟ چرا با وجود

اینکه برخی از آنها بدهی داشته‌اند، حجم قابل‌توجهی از نفت به آنها تحویل شده است؟ و اگر این افراد واجد شرایط بوده‌اند چه دلیلی وجود دارد که بخشی از پول نفت‌های تحویل‌شده هنوز به کشور بازنگشته است؟ سلیمی می‌گوید، رقم نفت تحویل شده بزرگ بوده و مسئله اصلی واریز وجوه ملی به حساب‌های مرتبط و پرداخت بهای نفت است؛ بنابراین باید روشن شود که پول محموله‌های تحویل شده، کجاست و چرا بازنگشته است. به گفته او درباره میزان نفت، ارزش محموله‌ها و حتی تعداد تراستی‌ها نیز ابهام‌هایی وجود دارد و هر روز ابعاد تازه‌ای از پرونده برای مجلس

روشن می‌شود. او تأکید کرده که مجلس این موضوع را به‌طور جدی دنبال می‌کند چراکه پای حق و حقوق ملی در میان است و هدف نهایی باید بازگشت پول ملت باشد.

چه کسی مجوز فروش نفت را داد؟

تراستی‌ها در ادبیات فروش نفت ایران به واسطه‌ها و شرکت‌هایی گفته می‌شود که در شرایط تحریم برای کمک به فروش نفت و انتقال درآمدهای حاصل از آن به کار گرفته می‌شوند و به دولت کمک می‌کنند تا مسیرهای دشوار انتقال پول را دور بزند. با این حال استفاده از واسطه به‌معنای انتقال مسئولیت از دستگاه‌های دولتی نیست و نحوه انتخاب تراستی‌ها، شرایط قرارداد، دریافت بهای نفت و بازگشت درآمدها همچنان باید تحت نظارت و در چارچوب ضوابط مربوط انجام شود. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم، پرونده تراستی‌ها حالا از چند مسیر همزمان در حال پیگیری است: از مجلس و دیوان محاسبات تا قوه قضائیه و پلیس امنیت اقتصادی. با گسترده‌تر شدن ابعاد پرونده، دیگر فقط سرنوشت پول‌های بازنگشته محل سوال نیست و نحوه شکل‌گیری این سازوکار نیز زیر ذره‌بین رفته است. حالا سوال مهم‌تر این است که چه کسانی، با چه سازوکاری و براساس چه معیار و تضمین‌هایی، مجوز فروش چنین حجم بزرگی از نفت را به این واسطه‌ها داده‌اند.

ادامه یادداشت روز

پیشنهاداتی برای ایران

به گمان ما، تلاش برای اجرای موفق تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و دستیابی به صلحی پایدار مستلزم شکل‌گیری و اجرای یک «تفاهم‌نامه ملی و داخلی» نیز هست؛ تفاهم‌نامه‌ای که می‌تواند از طریق مجموعه‌ای از اقدامات زیر معنا و تحقق پیدا کند:

الف) عفو و گشایش در وضعیت زندانیان سیاسی و امنیتی
اعلام عفو عمومی همه زندانیان سیاسی و امنیتی که مرتکب اقدامات تروریستی و خشونت‌آمیز نشده‌اند و در جریان دو جنگ اخیر موضوعی صریح در محکومیت تجاوز داشته و عملاً وطن‌دوستی و استقلال‌خواهی خود را نشان داده‌اند، اقدامی ضروری و در راستای تقویت انسجام ملی است. بدیهی است در این زمینه، رفع حصر از محصورین بزرگوار، جناب آقای مهندس موسوی و سرکار خانم دکتر رهنورد، از اهمیتی ویژه برخوردار است.

ب) تضمین حق بازگشت ایرانیان خارج از کشور
اعلام حق بازگشت دائم یا موقت مهاجران خارج از کشور به وطن برای آن دسته از هموطنانی که در آزمون وطن‌دوستی طی تهاجمات اخیر سربلند بیرون آمدند و ایجاد اطمینان نسبت به محفوظ ماندن حق بازگشت آنان در صورت تمایل، موضوعیت ویژه‌ای دارد. کشور در شرایط دشوار امروز بیش از هر زمان دیگری به سرمایه انسانی و فکری همه فرزندان خود نیازمند است.

ج) مدارا و رأفت با معترضان
برخورد رأفت‌آمیز با معترضانی که تحت‌تأثیر هیجانات قرار گرفته‌اند

ضعف در زنجیره نظارت

اهمیت این ماجرا زمانی بیشتر می‌شود که موضع دیوان محاسبات را کنار ادعاهای مطرح شده درباره تراستی‌ها بگذاریم. دیوان محاسبات چهارم شهریور تأکید کرد که استفاده از تراستی‌ها، تردرها، شرکت‌های پوششی و کارگزاران برای فروش نفت، مسئولیت قانونی دستگاه‌های دولتی در صیانت و وصول درآمدهای نفتی را از بین نمی‌برد. براساس اعلام این نهاد، مطابق قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، مسئولیت فروش نفت برعهده وزیر نفت است و اگر واسطه‌ها به تعهدات خود عمل نکنند یا درآمدهای حاصل از فروش نفت را به موقع بازنگردانند، مسئولیت



وزارت نفت برای وصول و واریز کامل و به موقع این درآمدها همچنان پابرجاست. به بیان دیگر استفاده از واسطه برای عبور از محدودیت‌های تحریمی، مسئولیت دستگاه متولی را به‌واسطه منتقل نمی‌کند. دیوان محاسبات در همین زمینه اعلام کرده که موارد مربوط به عدم وصول یا وصول نشدن به‌موقع درآمدهای نفتی در دستورکار دادسرای این نهاد قرار گرفته است. بانک مرکزی نیز در حدود وظایف قانونی خود، مسئولیت‌هایی در زمینه کنترل جریان وجوه، صیانت از منابع ارزی و وصول مطالبات دارد.

با این حال، پرسش درباره نتیجه این سازوکار نظارتی همچنان پابرجاست. مهرداد لاهوتی، نماینده مجلس هم اخیراً بر همین نقطه دست گذاشت و گفت، دولت دقیقاً می‌داند چه میزان نفت فروخته و چه میزان پول به حساب تراستی‌ها واریز شده و چه مقدار از آن بازنگشته است. از نگاه او، اگر مشخص شود فردی پول کشور را بازنگرداند باید از مسیر قانونی برای وصول آن اقدام شود. لاهوتی همچنین از تعدد دستگاه‌های نظارتی پرسید و اینکه چرا برخی تخلفات پیش از رسیدن به مرحله قضایی شناسایی و متوقف نشده‌اند.

در همین حال ابعاد قضایی پرونده نیز کوچک نیست. سخنگوی قوه قضائیه هفدهم شهریورماه گفت، میزان بدهی ارزی در حوزه تراستی‌ها حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیارد یورو است و ۶۸ پرونده در دادسرای تهران تشکیل شده است. به گفته او برای ۴۹ نفر قرار جلب به دادرسی صادر شده، ۱۹ پرونده به کیفرخواست رسیده، ۲۲

اما آمادگی روحی و روانی آنان برای همدلی با اکثریت وفادار به منافع ملی قابل احراز است، کاملاً ضروری است. به‌ویژه دانشجویان عزیزی که از باب احساس مسئولیت اجتماعی یا تحت‌تأثیر فضای هیجانی اعتراضاتی داشته‌اند، سازوار رفت و مدارا هستند. در همین راستا، انتظاری می‌رود در رسیدگی به پرونده‌های قضایی دستگیرشدگان با مدارای بیشتری برخورد شود و قاعده فقهی احتیاط در حفظ نفوس و دماء مورد توجه جدی قرار گیرد.

د) اصلاح ساختاری و مدیریتی در رسانه ملی
اصلاحات ساختاری و مدیریتی در رسانه ملی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ به‌گونه‌ای که این رسانه با فاصله گرفتن از فرقه‌گرایی افراطی و طرح مواضع یک اقلیت خاص به جایگاه ملی و فراگیر خود بازگردد. رسانه ملی باید نماینده سلیقه‌ها و رویکردهای طیف‌های وسیع ملت باشد و در جهت تقویت انسجام و همگرایی ملی حرکت کند نه آنکه خود به عاملی برای تشدید شکاف‌ها و فاصله‌های اجتماعی تبدیل شود.

ه) نقش مجلس در تقویت انسجام ملی
مجلس محترم نیز شایسته است از طرح و پیگیری موضوعاتی که مقوم انسجام ملی نیست، اجتناب کند. در این زمینه، بازنگری در محتوای طرح موسوم به «مقابله با نفوذ»-که عملاً زمینه‌ساز برخی محدودیت‌های مغایر با حقوق اساسی و مدنی شهروندان، به‌ویژه مخل تبادلات علمی فرهیختگان دانشگاهی است- کاملاً ضروری بنظر می‌رسد.

و) توجه جدی به معیشت مردم و مقابله با فساد و تبعیض
اهتمام به رفع تنگنای معیشتی و مقابله با فساد و تبعیض از مقتضیات اجتناب‌ناپذیر حفظ تاب‌آوری اجتماعی است. البته می‌دانیم که تحقق پایدار این اهداف در گرو اصلاح نظام حکمرانی و

نفر بازداشت شده‌اند و برای ۱۹ نفر دستور جلب صادر شده است. قوه قضائیه در عین حال تأکید کرده که همه تراستی‌ها متخلف نبوده‌اند و بخشی از آنها فعالیت خود را به‌درستی انجام داده‌اند. پلیس امنیت اقتصادی هم روز دوشنبه اعلام کرد ۱۳ متهم دیگر مرتبط با تراستی‌ها شناسایی و دستگیر شده‌اند و برای تعدادی دیگر نیز اعلام قرمز کیفری صادر شده و پیگیری برای دستگیری آنها در خارج از کشور در جریان است. این اعداد نشان می‌دهد پرونده از سطح اختلاف رسانه‌ای عبور کرده و به یک موضوع جدی قضایی و اقتصادی تبدیل شده است.

از سوی دیگر، هادی قوامی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، هشدار داده که بخشی از منابع ارزی بازنگشته، می‌تواند به ناترازی بانک‌ها نیز دامن بزند. او از خروج حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار از منابع یک یا برخی بانک‌ها توسط تراستی‌ها سخن گفته و برآورد خود را از منابع بازنگشته حدود ۳ میلیارد دلار اعلام کرده است. این ارقام هنوز نیازمند بررسی و راستی‌آزمایی در مراجع مسئول است اما اگر صحت داشته باشد، ماجرا دیگر تنها مسئله یک قرارداد نفتی نیست و می‌تواند، اثر خود را در شبکه بانکی و در نهایت بر تورم و معیشت مردم نشان دهد.

وزارت نفت اما روایت متفاوتی از شکل‌گیری و عملکرد تراستی‌ها دارد. این وزارتخانه نهم شهریور اعلام کرد، پدیده تراستی‌ها محصول شرایط تحریمی است و شکل‌گیری آن به سال‌های گذشته بازمی‌گردد؛ بنابراین نمی‌توان آن را به دوره مدیریتی فعلی نسبت داد. وزارت نفت همچنین اعلام کرد در سال‌های اخیر سازوکار فعالیت تراستی‌ها تغییر کرده و نظارت بر عملکرد آنها در چارچوب شبکه بانکی قرار گرفته و نهادهای ذی‌صلاح دیگری نیز بر این فرآیند نظارت دارند. سامان قدوسی، سخنگوی وزارت نفت نیز در واکنش به انتقادات تأکید کرد که تکرار اتهام‌ها علیه این وزارتخانه جز تشویش اذهان عمومی نتیجه‌ای ندارد و وضعیت صادرات نفت و ورود ارز به کشور به‌طور مستمر به مسئولان و دستگاه‌های نظارتی گزارش می‌شود.

با این حال همین توضیحات یک سوال مهم را پیش می‌کشد: اگر صادرات نفت و جریان ورود ارز به‌طور مستمر گزارش می‌شود و چند نهاد نیز بر عملکرد تراستی‌ها نظارت دارند، چرا پرونده برخی بدهکاران به چنین ابعادی رسیده است؟ پاسخ به این پرسش نه‌با بزرگ‌نمایی پرونده به‌دستی می‌آید و نه‌با کوچک‌نمایی آن؛ بلکه نیازمند بررسی اسناد، روشن شدن فرآیند صدور مجوزها و اعلام دقیق میزان نفت فروخته شده، وجوه دریافت شده و مطالبات باقی‌مانده است. در چنین پرونده‌ای نظارت و شفافیت هر دو ضروری‌اند و نمی‌توان هیچ‌کدام را به بهانه ملاحظات تحریمی نادیده گرفت.

بهبود تعاملات در سیاست خارجی است؛ اموری که باید با پیگیری عزتمندانه تفاهم‌نامه و از مسیر دیپلماسی دنبال شود. در همین جاسن تقدیر از مواضع کلان دولت و رئیس‌جمهور محترم، متذکر می‌شویم که در اتخاذ راهبردهای مختلف برای مقابله با مشکلات اقتصادی نباید از پیامدهای این سیاست‌ها بر طبقات محروم و مردمی که گرفتار تنگناهای اقتصادی هستند، غفلت شود. تحمیل فشار بیشتر بر این اقشار علاوه بر آنکه می‌تواند، نوعی بی‌توجهی به صبوری و همراهی مردم تلقی شود، ممکن است بستری برای گشودن ابعاد جدیدی از جنگ ترکیبی فراهم آورد و یکی از پشتوانه‌های اصلی دفاع ملی یعنی تحمل و تاب‌آوری مردم را به مخاطره اندازد.

اصلاحات، مصالح ملی و آینده نظام حکمرانی

نکته مهمی که در پایان باید به آن اشاره کنم این است که شاید انتظار معقوله از یک حزب سیاسی دانشگاهی چون انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها که دبیرکلی آن برعهده بنده بوده و مدافع اصلاحات حکمرانی است، این باشد که درباره بنیان‌های اعتبار و صلاحیت نظام موجود که اصلاحات را در درون آن بی می‌گیرد، اعلام موضع کند؛ به‌ویژه هنگامی که تحولاتی اساسی روی داده و مسئله جانشینی و نحوه آن موضوعیت پیدا کرده است. اما خرد جمعی انجمن، آگاهانه و به دلیل درک شرایط خطیر کشور، که درگیری از عمده‌ترین تجاوزات همه‌جانبه است، ورود به این بحث را در شرایط فعلی منطبق با مصالح ملی ندانست. ما معتقدیم پرداختن به این بحث بنیادی را بهتر است به زمانی موکل کنیم که از اضطراب‌های فعلی، که موجودیت کشور را به خطر انداخته است، عبور کرده باشیم.



جنایت آمریکایی

کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل، آمریکا را مسئول حمله به عروسی کوهستک دانست



سازمان ملل خواست برای اتخاذ فوری اقدامات دیپلماتیک به منظور توقف منازعه نظامی، کاهش تنش‌ها و از سرگیری گفت‌وگویی معتبر و با حسن‌نیت درباره صلح، حقوق بشر، عدالت و مشارکت برابر در امور سیاسی و عمومی اقدام کنند. این کمیته گفته است چنین گفت‌وگویی باید فراگیر باشد و مشارکت معنادار زنان، کودکان، جوانان و اقلیت‌ها در ایران را تضمین کند. همه کسانی که از نفوذ برخوردارند باید فوراً اقدام کنند تا به این منازعه پایان دهند تا از رنج بیشتر غیرنظامیان جلوگیری شود. کمیته حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی سازمان ملل در مورد جمهوری اسلامی ایران در ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲ از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل تأسیس شد.

خاورمیانه

درخواست کمک عربستان از اسرائیل

بن سلمان به مصر رفت

روزنامه «اسرائیل هیوم» ادعا کرد که محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان از تعدادی از کشورهای منطقه برای مقابله با حوثی‌های یمن درخواست کمک کرده است و خاطرنشان کرد که ریاض از طریق فرماندهی مرکزی آمریکا («سنتکام») درخواست غیرمستقیمی را به اسرائیل ارائه کرده است. این روزنامه به نقل از منابع دیپلماتیک در منطقه گزارش داد که درخواست عربستان شامل دریافت اطلاعات و سایر کمک‌ها با هدف جلوگیری از کنترل تنگه باب‌المندب توسط یمنی‌ها بوده است. در همین زمینه این روزنامه گزارش داد که ریاض از واشنگتن خواسته تا در مقابله با حوثی‌ها و توقف پیشروی آنها در منطقه باب‌المندب به عربستان کمک کند اما دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به درخواست مداخله نظامی مستقیم پاسخی نداده است که به گفته این روزنامه، عربستان را بر آن داشته تا به دنبال گزینه‌های دیگری در منطقه باشد. بنابر گزارش، این درخواست در بحبوحه آنچه که آن را «معضل» پیش روی عربستان سعودی توصیف کرده، مطرح شده است؛ سه مسیر کلیدی برای صادرات نفت این کشور به‌طور همزمان در معرض تهدید قرار دارند: تنگه هرمز در شرق، باب‌المندب در جنوب و مسیر زمینی به دریای سرخ. این تحولات درحالی رخ می‌دهد که محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان، روز سه‌شنبه در سفری وارد قاهره شد تا با عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، برای بررسی چند پرونده مهم و مورد علاقه مشترک دیدار و گفت‌وگو کند. انتظار می‌رود، گفت‌وگوهای دوجانبه رهبران دو کشور به موضوع تشدید تنش‌های اخیر مرتبط با ایران در منطقه و پرونده حملات حوثی‌های یمن به عربستان بپردازد. همزمان بلومبرگ نیز نوشت: اندی برنهام، نخست‌وزیر بریتانیا، در حال بررسی درخواست‌های عربستان سعودی برای حمایت نظامی در برابر حوثی‌هاست؛ این درخواست‌ها شامل کمک برای دفاع از زیرساخت‌های نفتی و جلوگیری از پیشروی حوثی‌ها به سمت تنگه باب‌المندب است.



نمی‌تواند در همان جایگاه پمپ بنزین متوقف بماند. هزینه حمل‌ونقل افزایش پیدا می‌کند، قیمت مواد غذایی بالا می‌رود، خدمات روزمره گران‌تر می‌شود و فشار بیشتری بر خانوارهایی وارد می‌شود که پیشاپیش با کاهش قدرت خرید روبه‌رو هستند.

اعتراض از شرق تا غرب

اهمیت تحولات اخیر فقط در شدت اعتراضات نیست؛ جغرافیای آنها نیز برای دولت مرکزی پیام مهمی دارد. اعتراضات اقتصادی در گذشته بیشتر در مناطق شمال‌شرقی سوریه متمرکز بود؛ مناطقی که دولت مرکزی در آنها در حال ادغام سرزمین‌هایی بود که پیش‌تر تحت اداره نیروهای دموکراتیک سوریه و اداره خودمختار قرار داشتند. اما افزایش قیمت‌ها دامنه ناراضیاتی را به ادلب، حمه و مناطق روستایی شمال حلب نیز کشاند. به این ترتیب اعتراض اقتصادی از مرزهای سیاسی و جغرافیایی عبور کرده است. مناطق سابقاً تحت کنترل مخالفان، مناطق شرقی که به‌تازگی در ساختار دولت ادغام شده‌اند و مراکز سنتی جمعیتی اکنون در یک نقطه مشترک به‌هم رسیده‌اند: فشار اقتصادی و هزینه سنگین زندگی. این همگرایی برای دولت جدید سوریه اهمیت ویژه‌ای دارد. حاکمیت پس از سقوط اسد تلاش می‌کند، ساختارهای سیاسی و اداری کشور را یکپارچه کند اما بحران سوخت نشان می‌دهد که یکپارچه‌سازی سیاسی بدون حل مشکلات اقتصادی ممکن است با موانع جدی روبه‌رو شود. ناراضیاتی اقتصادی برخلاف بسیاری از شکاف‌های گذشته، الزاماً به یک جریان سیاسی یا منطقه خاص محدود نیست.

آزمون مشروعیت

اکنون نحوه مدیریت بحران سوخت به آزمونی جدی برای مشروعیت و توان حکمرانی دولت جدید سوریه تبدیل شده است. دولت اگر واکنش خود را به صدور اطلاعاتی‌های تازه، اصلاح محدود قیمت‌ها یا عقب‌نشینی‌های موقت محدود کند، تنها زمان می‌خرد و مسئله اصلی همچنان پابرجا می‌ماند. ریشه بحران در ساختاری شکننده قرار دارد: سوریه نفت کافی برای تأمین نیاز داخلی تولید نمی‌کند، ظرفیت پالایش و ذخیره‌سازی آن محدود است و اقتصاد کشور همچنان در برابر نوسانات بازار جهانی و اختلال در زنجیره تأمین آسیب‌پذیر است. در چنین شرایطی، افزایش قیمت سوخت فقط یک تصمیم اقتصادی نیست؛ شوکی است که می‌تواند به سرعت از بخش انرژی به حمل‌ونقل، کشاورزی، قیمت مواد غذایی و معیشت خانوارها منتقل شود. به همین دلیل دولت جدید با مسئله‌ای بزرگ‌تر از کنترل یک موج اعتراضی روبه‌روست. باید نشان دهد که می‌تواند، اقتصاد فرسوده و جامعه‌ای خسته از سال‌ها جنگ را مدیریت کند. اگر نتواند برای این آسیب‌پذیری‌های ساختاری راه‌حلی ارائه دهد، بحران سوخت ممکن است از یک ناراضیاتی مقطعی به نشانه‌ای از ضعف حکمرانی تبدیل شود.

دیگر گزارش شد که ایالات متحده، منزلی مسکونی در شهر قشم، در استان هرمزگان، را ویران کرد. در این حمله یک مرد، یک زن و پسر دو ساله‌شان کشته و دو فرزند دیگر خانواده زخمی شد».

در این بیانیه تأکید شده، این دو حمله مرگبار به مناطقی صورت گرفته که محل سکونت جوامع اقلیت است. کوهستک عمدتاً بلوچ‌نشین و قشم محل سکونت جمعیت عمدتاً سنی مذهب است. مکس دو پلیسیس، کارشناس کمیته حقیقت‌یاب، گفت که «حملات هوایی مکرر که به تلفات غیرنظامی منجر می‌شود، پرسش‌های جدی را مطرح می‌کند» ازجمله اینکه آیا دولت‌ها براساس قوانین بشردوستانه بین‌المللی تمام تدابیر لازم را برای مصون ماندن غیرنظامیان به‌کار گرفته‌اند یا خیر. همه طرف‌های متخاصم باید تعهدات خود را براساس حقوق بشردوستانه بین‌الملل رعایت کنند، ازجمله احترام به اصول تفکیک، تناسب و احتیاط. عدم رعایت قوانین بین‌المللی ممکن است، مسئولیت بین‌المللی ازجمله مسئولیت «جنایات جنگی» را به‌دنبال داشته باشد. و یوانا کریستوسویچ، دیگر کارشناس عضو کمیته حقیقت‌یاب گفت: «حمله به غیرنظامیان باید موجب بررسی عمیق درباره رویکردها، روش‌ها و پیامدها شود تا از تلفات بیشتر جلوگیری و حقیقت، عدالت و جبران خسارت برای قربانیان تضمین شود. تداوم حملات، خطر تشدید رنج‌ها و افزایش محرومیت سیاسی و اجتماعی-اقتصادی جوامع را در پی دارد». کمیته حقیقت‌یاب بر اهمیت حیاتی «دسترسی کامل و بدون مانع ناظران مستقل حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و محققان» برای جمع‌آوری «شواهد اساسی» و «پاسخگویی» تأکید کرد و از کشورهای عضو

خام را مختل کردند. بزرگراه راهبردی M۵ که دمشق را به حلب متصل می‌کند نیز به یکی از کانون‌های اعتراض تبدیل شد؛ اقدامی که نشان می‌دهد، دامنه ناراضیاتی تا چه اندازه گسترده شده است. مطالبات معترضان نیز تنها به کاهش قیمت سوخت محدود نماند. آنها خواستار لغو فوری تصمیم افزایش قیمت‌ها و استعفای وزیر انرژی شدند.

اقتصاد زیر فشار

پشت این شوک قیمتی یک مشکل ساختاری و قدیمی قرار دارد؛ سوریه نفت کافی برای تأمین نیاز داخلی خود تولید نمی‌کند. براساس آمار رسمی، تولید نفت خام این کشور حدود ۱۰۲ هزار بشکه در روز است درحالی که میزان تقاضای داخلی به حدود ۳۲۵ هزار بشکه



می‌رسد. این شکاف بزرگ میان تولید و مصرف، سوریه را برای تأمین نیازهای خود به بازارهای بین‌المللی و واردات فرآورده‌های نفتی پالایش‌شده، وابسته کرده است.

در چنین شرایطی هرگونه افزایش هزینه در بازار جهانی یا اختلال در زیرساخت داخلی می‌تواند به سرعت خود را در قیمت سوخت نشان دهد. مقام‌های سوری نیز افزایش قیمت‌های جهانی و بالا رفتن هزینه تأمین را در کنار مشکلات عملیاتی داخلی از دلایل اصلی تصمیم اخیر اعلام کرده‌اند. دولت تلاش کرده این تصمیم را اقدامی موقت برای جبران فاصله میان هزینه تأمین سوخت و قیمت فروش داخلی معرفی کند. اما برای جامعه‌ای که سال‌ها با جنگ، تورم شدید، کاهش قدرت خرید، نوسان ارزش پول ملی و تخریب زیرساخت‌ها دست‌وپنجه نرم کرده، افزایش ناگهانی قیمت‌ها، معنایی بسیار فراتر از یک سیاست اقتصادی دارد. به‌ویژه آنکه گازوئیل در اقتصاد سوریه نقشی حیاتی دارد. ماشین‌آلات کشاورزی، پمپ‌های آب، حمل‌ونقل عمومی، فعالیت‌های لجستیکی و حتی بخشی از تولید برق خانگی به این سوخت وابسته‌اند. بنابراین افزایش ۴۰ درصدی قیمت گازوئیل

گروه بین‌الملل: کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل اعلام کرد: براساس گزارش‌ها و اطلاعات معتبری که هیأت حقیقت‌یاب به‌دست آورده، در اول سپتامبر، در حمله هوایی آمریکا به خانه‌ای در شهر کوهستک در استان هرمزگان ایران، جایی که گفته می‌شود جشن عروسی در آن جریان داشته، پنج نفر ازجمله دو کودک و یک زن کشته و ده‌ها تن دیگر زخمی شدند.

سارا حسین، رئیس کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد، پس از بررسی حملات مرگبار آمریکا به جنوب ایران به‌خصوص حمله به مراسم عروسی در کوهستک شهر بندری سیریک، گفت: این حملات بار دیگر یادآور هزینه انسانی ویرانگر مخاصمه میان آمریکا و ایران است. غیرنظامیان باید در همه زمان‌ها مورد حمایت قرار گیرند و همواره مراقبت لازم به‌عمل آید تا غیرنظامیان و اموال غیرنظامی از آثار مخاصمات مصون بمانند.

این هیأت، آمریکا را مسئول حمله به خانه‌ای در شهر کوهستک استان هرمزگان خواند که محل عروسی بود. در بیانیه این کمیته آمده است: با وجود تأکید آمریکا بر اینکه نیروهای نظامی این کشور غیرنظامیان را هدف قرار نمی‌دهند، براساس گزارش‌ها و اطلاعات معتبری که هیأت حقیقت‌یاب به‌دست آورده، در اول سپتامبر و در یک حمله هوایی آمریکا به خانه‌ای در شهر کوهستک در استان هرمزگان، جایی که جشن عروسی در آن در جریان بوده است ۵ نفر از جمله دو کودک و یک زن کشته و ده‌ها تن دیگر زخمی شدند.

این کمیته با اشاره به حمله دیگری آورده است: «در ۳۰ ژوئیه، یک حمله هوایی

خاورمیانه

آتش در شام

مردم سوریه به دلیل افزایش قیمت بنزین اعتراض کرده و دست به شورش زدند



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

سوریه پس از سقوط بشار اسد، حالا با بحرانی روبه‌رو شده که می‌تواند یکی از جدی‌ترین آزمون‌های دولت جدید این کشور باشد. افزایش ناگهانی و سنگین قیمت سوخت، موجی از اعتراضات را در چندین استان سوریه به راه انداخت؛ اعتراضاتی که خیلی زود از ناراضیاتی درباره قیمت گازوئیل و بنزین فراتر رفت و به نشانه‌ای از عمق مشکلات اقتصادی و اجتماعی سوریه پس از سال‌ها جنگ تبدیل شد. آنچه ابتدا یک تصمیم اقتصادی برای جبران کسری مالی دولت به‌نظر می‌رسید، در فاصله‌ای کوتاه به بحرانی سیاسی و اجتماعی تبدیل شد و بار دیگر مسئله توانایی حاکمیت جدید برای اداره کشوری جنگ‌زده را به مرکز توجه آورد.

جرقه گرانی

ماجرای تصمیم وزارت انرژی سوریه و کمیته دائمی قیمت‌گذاری فرآورده‌های نفتی آغاز شد. وزارت انرژی سوریه اعلام کرد، قیمت شماری از فرآورده‌های نفتی را بین ۲۵ تا ۴۰ درصد افزایش داده است. این وزارتخانه دلیل این تصمیم را افزایش بی‌سابقه هزینه تأمین فرآورده‌های نفتی در بازارهای جهانی همچنین عملیات تعمیر و نگهداری جاری در پالایشگاه بانباس عنوان کرد. براساس نرخ‌نامه جدید منتشر شده از سوی کمیته دائمی تعیین قیمت فرآورده‌های نفتی و منابع معدنی سوریه، قیمت هر لیتر گازوئیل از ۱۲۵ لیره سوریه به ۱۷۵ لیره سوریه افزایش یافته است؛ یعنی رشدی ۴۰ درصدی. همچنین قیمت هر لیتر بنزین با اکتان ۹۵ از ۱۵۲ لیره به ۱۹۵ لیره سوریه افزایش یافته که معادل حدود ۲۸/۳ درصد رشد است. قیمت هر لیتر بنزین با اکتان ۹۰ نیز از ۱۴۷ لیره به ۱۸۵ لیره سوریه رسیده که افزایشی حدود ۲۵/۹ درصدی را نشان می‌دهد. قیمت گاز مایع خانگی به ۱۶۰۰ لیره سوریه رسیده است درحالی که پیش از این ۱۴۷۰ لیره بود؛ افزایشی که حدود ۸/۸ درصد برآورد می‌شود. همچنین قیمت گاز مایع صنعتی از ۲۳۵۰ لیره به ۲۵۶۰ لیره افزایش یافته که معادل حدود ۸/۹ درصد رشد است. قیمت‌های جدید از روز یک‌شنبه ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶ (۲۲ شهریور ۱۴۰۵) اجرایی شده است. اعتراضات خیلی زود از یک پا دو شهر فراتر رفت. مردم در ادلب، حمه، حلب، دیرالزور، حسکه و درعا به خیابان‌ها آمدند. معترضان مسیرهای اصلی را مسدود کردند، لاستیک آتش زدند و با متوقف کردن تانک‌های نفتی، انتقال نفت

داستان‌های چاپخانه

پرونده باز کتابی با دو مترجم

در این ستون هر چهارشنبه نگاهی می‌اندازیم به روابط مالی و حقوقی نویسندگان و مترجمان با ناشران - بخش پنجم



روزنامه‌نگار

روایت این هفته را از تجربهٔ نویسنده‌ای به‌نام خانم پ می‌خوانیم که امروز دیگر بین ما نیست. او مترجم ثابت یک نهاد دولتی بود و در کنار این شغل همیشگی، زبان هم تدریس می‌کرد، اما ترجمه و نوشتن کتاب اشتغال اصلی فکری‌اش بود. نوشتن را از زمان دانشجویی و در قالب انجام تکالیف درسی و بعدتر همکاری با برخی همکلاسی‌ها و استادانش در نوشتن مقاله و ترجمه داستان و انواع مطالب برای نشریات به دلیل رشته تحصیلی‌اش (مترجمی زبان) آغاز کرد. اما می‌دانست نویسندگی به‌تهایی کفاف خرج زندگی را نمی‌دهد و برای اینکه مجبور به ترجمه سری‌دوزی نشود و بتواند آثار را خودش انتخاب کند و وقت بیشتری برای هر اثر بگذارد، ترجیح داد کار ثابتی هم داشته باشد تا معیشت را به کار صرف ترجمه گره نزند.

از نظر او ترجمه‌ای که هر روز به شکل مصوب و در محل کارش انجام می‌داد، خوب بود اما جایی اثر جدی از آن باقی نمی‌ماند و حرکت بر سطحی لغزان و خزانده بود که با تغییرات مدیریتی دچار انواع تحول هم می‌شد. نوشتن کتاب در نظر خانم پ فقید، حرکت در عمق بود که گذشت روزگاران هم آن را مخدوش نمی‌کرد، تجربه او را بیشتر می‌کرد و هر کتاب تازه محکی جدید برای مهارت و میزان دانش او بود. این شد که کار ترجمه کتاب را هم کنار کارهای دیگر شروع کرد. یکی از دوستانش ناشری را معرفی کرده بود و او هم اثری را برای چاپ به ناشر پیشنهاد داد. ناشر پذیرفت و همکاری اول به‌خوبی انجام و کتاب چاپ شد.

سالی بعدتر ناشر اثری را به خانم پ ارائه داد و خواست بررسی کند که آیا برای ترجمه مناسبست است یا خیر. او اثر را بررسی و بعد از مدتی قبول کرد آن را ترجمه کند.

مطابق معمول قراردادی تدوین و بین مترجم و ناشر امضا شد که در آن تیراژ و حق‌الزحمه مترجم دقیق قید و بر آن توافق شده بود. خانم پ کار را شروع کرد و ترجمه که تمام شد، اثر را به ناشر برگرداند و منتظر طی شدن بقیه مراحل آماده‌سازی اثر ماند. یک سالی از وقتی ترجمه را تحویل داده بود، گذشت و خبری از چاپ کتاب و حتی پیمای از سوی ناشر نشد. سراغی از ناشر گرفت، بعد از چند باری تماس و پرس‌وجو، ناشر گفت به دلیل تغییرات قیمت کاغذ و سیاست‌های نشر و بی‌شمار دلایل دیگر، قصد چاپ کتاب را ندارد و حتی می‌تواند کل اثر را به او برگرداند تا دوباره برای چاپ آن اقدام کند. خانم پ ترجیح داد کتاب ترجمه‌شده را از ناشر بگیرد، ولی یافتن ناشر دیگری که کتاب را چاپ کند هم دشوار و زمان‌بر بود. در حالی‌که دنبال نشر معتبری می‌گشت که به حرف و قول و قرار خود عمل کند، یک روز و در یک کتاب‌فروشی کتابی را با اسم مترجمی دیگر دید که در نظر اول شبیه کتابی بود که قبلاً ترجمه کرده و به ناشر تحویل داده بود.

کتاب را خرید و تا به خانه برسد، هر چقدر توانست آن را ورق زد بلکه بفهمد همان کتاب است یا خیر. بعدتر دقیق‌تر کل اثر را خواند و فهمید همان کتابی است که خود پیش‌تر ترجمه کرده بود و با ترجمه عنوانی متفاوت و تغییراتی در چند صفحه ابتدایی و انتهایی چاپ شده است. اصل ترجمه از او بود و با مقایسه متنی که در اختیار داشت و با مطابقت با متن اصلی از این بابت مطمئن‌تر هم شد.

باز هم با ناشر وارد مذاکره شد و موضوع را برای او توضیح داد، اما ناگفته پیداست مذاکره‌ای بی‌فایده بود. ناشر نه کپی‌بودن یا به عبارت بهتر دزدی‌بودن ترجمه را می‌پذیرفت و نه قصد داشت حق او را دست‌کم از جهت مادی بپردازد؛ در حالی‌که او راضی شده بود از حق معنوی خودش بگذرد چون چاره دیگری نداشت و کتاب با اسم مترجم دیگری منتشر شده بود که اتفاقاً با خانم پ هم آشنا بود و در چند اثر با هم همکاری کرده بودند. هر چه بیشتر فکر می‌کرد، ناراحتی و دل‌شکستگی‌اش از این بابت بیشتر می‌شد و در نهایت احساس کرد باید حق خود را بگیرد.

روند حقوقی را می‌توانست از اتحادیه ناشران آغاز کند ولی از آن‌جا که شنیده بود آرای اتحادیه ممکن است به اندازه کافی لازم‌الاجرا نباشد از ابتدا شکایت را در دادگاهی مطرح کرد. مدارک کافی بود؛ قرارداد، اصل متن ترجمه و حتی مکاتبات بین او و ناشر نشان می‌داد او در بازهٔ زمانی مشخصی روی ترجمه کتاب کار کرده و در نهایت اثر را به ناشر تحویل داده است. اما روند قانونی زمان زیادی به طول انجامید، او سعی در اثبات درست بودن گفته‌ها و ادعایش داشت و ناشر هم مانند هر فرد دیگری نمی‌خواست دادگاه را ببازد چون با این‌که خانم پ مترجم مشهوری نبود و شاید نمی‌توانست این موضوع را رسانه‌ای کند یا سروصدایی راه اندازد، باز هم رأی دادگاه به نفع خانم پ، به ضرر حیثیت حرفه‌ای و اعتبار ناشر بود.

در نهایت قاضی دادگاه خانم پ را محق شناخت و ناشر را محکوم کرد. اما به آن‌ها توصیه شد به شکلی با هم مصالحه و مشکل را حل کنند. اثر چاپ و توزیع شده بود و شاید عملاً راهکار دیگری برای تنبیه ناشر وجود نداشت و حتی جریمه نقدی و جمع کردن کتاب (که اقدامی دشوار بود؛ اگر ناممکن نبود) مشکلی را از خانم پ حل نمی‌کرد. اما در همین اثنا و رفت و آمدها بود که خانم پ زندگی این دنیایی را ترک کرد و پرونده پر از داستان این کتاب دست‌کم برای او هرگز بسته نشد.

اسطوره کودک قهرمان

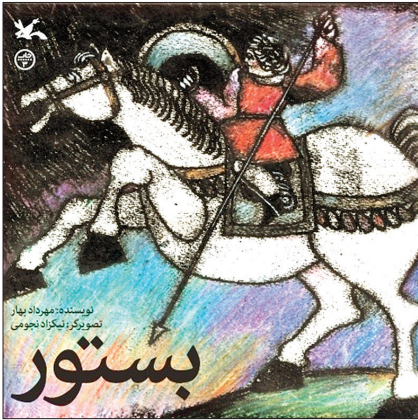
روایت ابوالقاسم اسماعیل‌پور از توجه ویژه مهرداد بهار در معرفی اسطوره‌های ایران به کودکان

نسل جوان گفت: «ایشان در کنار فعالیتهای پژوهشی‌اش در حوزه اساطیر ایران، سه کتاب برای کودکان و نوجوانان نوشت و به نسل جوان توجه زیادی داشت. به ادبیات و هنر نیز علاقه و توجه خاصی نشان می‌داد و با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری داشت».

جمشید، نماد عصر طلایی ایران

اسماعیل‌پور دربارهٔ دلیل توجه مهرداد بهار به ادبیات کودک و نوجوان می‌گوید: «فکر می‌کنم این علاقه‌مندی از آن‌جا ناشی می‌شد که ایشان بسیار تأکید داشتند باید نسل جدید و کودکان را دریافت و به آنان آموزش داد، در همه جای دنیا اسطوره‌های خود را برای کودکان در قالب کتاب، فیلم، پویانمایی و کتاب‌های مصور ارائه می‌کنند و این اتفاق سال‌هاست که در جهان رخ داده است. دوستانی که در آن دوره در کانون پرورش فکری بودند، به ایشان پیشنهاد دادند این علاقه‌مندی را کاربردی کنند. ایشان هم در این زمینه موفق عمل کردند، برای مثال، کتاب «جمشیدشاه» که با تصویرسازی فرشاد متقالی منتشر شد، واقعاً بی‌نظیر است؛ متأسفانه در حوزه کودک کمتر به چنین آثاری توجه می‌شود. درحالی‌که در دنیا، چه در شرق و چه در غرب، بیشترین سرمایه‌گذاری روی کودکان انجام می‌شود، چون نسل آینده را می‌سازند. هدف اصلی هم این است که کودکان و نوجوانان با هویت بومی و ملی خودشان آشنا شوند. همین نگاه باعث شد مهرداد بهار در کنار کارهای تخصصی خود، مضامین اساطیری را نیز با زبانی جذاب برای نسل جدید ارائه کند».

اسماعیل‌پور در پاسخ به این پرسش که چه ویژگی‌هایی باعث می‌شود روایت‌های مهرداد بهار هم‌چنان بتوانند با کودک و نوجوان امروز ارتباط برقرار کنند، ابتدا به کتاب «جمشیدشاه» اشاره کرد و گفت: «جمشیدشاه کار برجسته‌ای است، چون جمشید نماد عصر طلایی فرهنگ باستانی ایران است. او بنیان ایران رویایی و آرمانی را می‌نهد و مردم به دلیل علاقه‌ای که به جمشید داشتند، تخت‌جمشید را نیز به او منسوب کرده‌اند، در حالی‌که



توجه مهرداد بهار به نسل جوان

این پژوهش‌گر که سال‌ها از نزدیک با مهرداد بهار همکاری و شاگردی او را تجربه کرده است، گفت: «مستقیم دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و دکتری ایشان بودم و زبان‌های پهلوی و ساسانی را از ایشان آموختم. چند سال نیز در کنار ایشان روی کتاب ادبیات مانوی کار کردیم و کتاب مشترکی داریم که برای من یادگار آن سال‌هاست که از او بسیار آموختم». اسماعیل‌پور هم چنین با اشاره به توجه مهرداد بهار به

ادامه تیتیر یک

قتل عام سیستماتیک

مصابحه‌شوندگان، با استفاده از داده‌های ارتباطی و اطلاعات به‌دست‌آمده از غزه، در شناسایی اهداف نقش داشته است. یکی از منابع این روند را کاری در مقیاس گسترده و مثل یک کارخانه توصیف می‌کند و منبع دیگری روند شناسایی اهداف را به یک بازی ویدئویی تشبیه می‌کند. این روایت‌ها البته با پاسخ ارتش اسرائیل روبه‌رو شده‌اند. آنها، هم ادعاهای مطرح‌شده در فیلم و هم اعتبار منابع ناشناس را زیر سؤال برده و استفاده از هوش مصنوعی برای تعیین اهداف حملات را رد می‌کنند. مقام‌های نظامی اسرائیل تأکید کرده‌اند که تصمیم‌گیری و صدور مجوز حملات توسط نیروهای انسانی و براساس دستورالعمل‌های نظامی انجام می‌شود. همین اختلاف، یکی از مهم‌ترین محورهای مناقشه پیرامون «نازا» است؛ فیلم تلاش می‌کند تصویری از یک سازوکار سازمان‌یافته ارائه دهد.

عصبانیت تل‌آویو

انتشار فیلم تنها به بحث‌های سینمایی محدود نمانده است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، «نازا» را فیلمی تکان‌دهنده توصیف کرد و گفت در شرایطی که اسرائیل با آنچه او تحریکات ضدیهودی در سراسر جهان می‌خواند، مواجه است، طرح چنین ادعاهایی از داخل اسرائیل غیرقابل تحمل است. ایال زامیر، رئیس ستاد ارتش اسرائیل نیز فیلم را نه اثری انتقادی،

آن فیلم که با همکاری باسل عدرا و حمدان بلال، دو فیلم‌ساز فلسطینی، ساخته شد، در سال ۲۰۲۵ جایزه اسکار را به‌دست آورد. «نازا» اما یک گام دیگر به داخل ساختار نظامی اسرائیل می‌رود و به‌جای ثبت مستقیم زندگی قربانیان، تلاش می‌کند از زبان کسانی‌که در این ساختار حضور داشته‌اند، درباره نحوه عملکرد آن سوال کند.

روایت یک سازوکار

هسته اصلی فیلم بر شهادت ۲۴ نیروی نظامی و اطلاعاتی اسرائیل استوار است. آنها درباره نظارت بر نوار غزه، شناسایی اهداف، روند تصمیم‌گیری برای حملات و همچنین نحوه محاسبه تلفات غیرنظامیان سخن می‌گویند. عنوان فیلم نیز از یک اصطلاح عبری در ادبیات نظامی و اطلاعاتی اسرائیل گرفته شده است؛ اصطلاحی که به تعداد تخمینی غیرنظامیانی اشاره دارد که انتظار می‌رود در جریان یک حمله هوایی کشته شوند و در ادبیات نظامی از آنها با عنوان «خسارت جانبی» یاد می‌شود. به این ترتیب، از نگاه سازندگان، مسئله اصلی فیلم تنها آن چیزی نیست که در لحظه حمله رخ می‌دهد، بلکه فرآیندی است که پیش از حمله، مرگ غیرنظامیان را به‌عنوان بخشی از محاسبات وارد تصمیم‌گیری می‌کند. یکی از مهم‌ترین ادعاهای مطرح‌شده در فیلم به استفاده از سامانه‌ای موسوم به «لاوندِر» مربوط می‌شود؛ سامانه‌ای که به گفته



متخصص آسیا

برد پرگل استقلال ایران در اولین هفته از لیگ نخبگان

«آسیا تخصص ماست»! حالا استقلالی‌ها با افتخار می‌توانند این شعار را در جای‌جای فضای رسانه‌ای و مجازی و روی سکو‌ها فریاد بزنند. آنها در یکی از سخت‌ترین فصل‌هایشان و در حالی که کمتر کسی انتظار داشت در برابر شروتمندان عربی بازی مقاومت داشته باشند، با سه گل السد و سستاره‌هایش را درهم کوبیدند. هواداران فوتبال ایران و هواداران استقلال حق دارند به نمایش این تیم جوان ببالند.

پیروزی از دل سختی

استقلال مثل اغلب تیم‌های فوتبال ایران، فصل سخت و متفاوتی را آغاز کرد. جنگ نه‌تنها باعث شد بود که این تیم نتواند به‌عنوان قهرمان رسمی لیگ برتر معرفی شود، از طرفی موجب شد که ستاره‌های خارجی استقلال این تیم را ترک کنند، اما یک مشکل بزرگ‌تر هم وجود داشت: پرورنده منتظر محمد، بازیکن عراقی که فرصت بازی هم برای این تیم پیدا نکرد، باعث بسته شدن پنجره نقل و انتقالاتی باشگاه شد. سهراب بختیاری‌زاده چاره‌ای نداشت که تیم را با مهره‌هایی که رد اختیار دارد، برای لیگ فصل جدید و لیگ نخبگان آسیا آماده کند. با این حال، جدایی رامین رضاییان، استقلال را کم‌ستاره‌تر هم کرد. با این وجود، سهراب با مجموعه‌ای از بازیکنان جوان و آینده‌دار نه فقط لیگ را خوب شروع کرد و در شهر آورد تهران بازنده نبود، که آغازی رویایی را در لیگ نخبگان رقم زد. استقلال برای لیگ نخبگان نیز نمی‌توانست در ایران میزبانی کند و ورزشگاه بصره عراق را به‌عنوان زمین خانگی‌اش معرفی کرد، اما درست در روزهایی که این تیم عازم سفر به عراق بود، مرزهای ایران و عراق برای مدتی بسته شدند. استقلال از دل تمام این سختی‌ها و مانند یک میهمان به بصره رسید، اما در ورزشگاه و بعد از شنیده شدن صدای سوت داور، ماجرا کاملاً فرق کرد. ورزشگاه ۶۵ هزار نفری بصره با حضور طرفداران استقلال و ایران، رنگ‌وبوی میزبانی به‌خود گرفت و نمایش استقلال طوری بود که اشراف‌زاده‌های قطری را مبهوت کرد. سه گل استقلال در این بازی را یاسر آسانی در دقیقه ۹ بازی، سعید سحرخیزان در دقیقه ۲۷ از شروع تیمه دوم و اسماعیل قلی‌زاده در دقیقه ۹۰+۵ به‌ثمر رساندند تا آبی‌های ایران شروعی مقتدرانه را در لیگ نخبگان فصل جدید بپذیرند.

علیه ستاره‌های گران

اما این فقط نتیجه نبود که استقلال را در
بصره سر بلند کرد؛ تیم سهراب بختیاری زاده
در برابر تیمی قرار گرفت که از ستاره های
بزرگ و بازیکنان گران قیمت سود می برد و با
این حال توانست کم اشتباه، منظم و با تمرکز
بازی کند. خود بختیاری زاده بعد از مسابقه
هم روی همین موضوع دست گذاشت و
گفت بازیکنانش فوق العاده بودند و کمترین
اشتباه را در جریان بازی داشتند. سرمربی
استقلال همچنین از هوادارانی که از بصره و

استقلال همچنین از هوادارانی که از بصره و



خوزستان خودشان را به ورزشگاه رسانده بودند، تشکر کرد؛ هوادارانی که در شبی که استقلال از تهران دور بود، بخشی از خانه را با خود به بصره بردند. بختیاری زاده البته مثل همه طرفداران ایرانی فوتبال، دوست داشت این مسابقه در تهران برگزار شود. او گفت استقلال هواداران زیادی دارد که می‌توانند در تهران برای هر تیمی جو سنگینی درست کنند، اما شرایط موجود باعث شد عراق و شهر بصره انتخاب شود. انتخابی که حالا به نظر می‌رسد برای استقلال چندان هم بد از آب درنیا آمده است. در طرف مقابل اما السد یکی از بدترین شب‌های خود را پشت سر گذاشت. رازوان لوچسکو، سرمربی رومانیایی این تیم، بعد از شکست ۳ بر صفر چندان حرفی برای گفتن نداشت. او اعتراف کرد که السد بازی بسیار بدی انجام داده و نتوانسته آنچه را برای کسب یک نتیجه مثبت لازم بوده، ارائه کند. لوچسکو گفت، تیمش کنترل جریان بازی را از دست داده و نتوانسته راه مناسبی برای بازگشت به مسابقه پیدا کند. جالب است که او هم در نهایت پذیرفت که استقلال شایسته پیروزی بوده است. حقیقتی که تمام تماشاگران این بازی می‌توانند بر آن شهادت بدهند. رسانه‌های قطری نیز شکست السد را غافلگیرکننده دانستند و بخش مهمی از آن را به اشتباهات فردی بازیکنان این تیم نسبت دادند. گل نخست استقلال پس از یک پاس اشتباه و مرگبار از سوی کلاودینیو به ثمر رسید؛ توپی که به یاسر آسانی رسید و مهاجم استقلال آن را به گل تبدیل کرد. بی‌تمرکزی السد در آغاز نیمه دوم نیز ادامه پیدا کرد و این بار سعید سحرخیزان روی اشتباه مدافعان میانی حریف، گل دوم را زد. السد البته موقعیت‌هایی برای تغییر سرنوشت بازی داشت. تبدیل شدن یکی از این موقعیت‌ها به گل می‌توانست ریتم مسابقه را عوض کند، اما استقلال و همچنین تکنولوژی داوری اجازه نداد این اتفاق بیفتد. هرچه بازی به پایان نزدیک‌تر شد، السد بیشتر برای جبران یکی از گل‌ها جلو کشید و همین موضوع فضای بیشتری در اختیار استقلال قرار داد. در وقت‌های تلف‌شده، اسماعیل قلی‌زاده که به عنوان بازیکن تعویضی وارد زمین شده بود، گل سوم را زد تا شبی که با اشتباهات السد شروع شده بود، با ضربه نهایی استقلال تمام شود. سه امتیازی که برای استقلال، چیزی بیشتر از یک پیروزی ساده بود.

برنامه بعدی در لیگ نخبگان

استقلال روز دوشنبه ۲۰ مهرماه در هفته دوم رقابت‌های لیگ نخبگان آسیا در قطر میهمان الغرافه این کشور است. استقلال برای بازی‌های میزبانی‌اش در آینده نیز باز هم ورزشگاه بصره در عراق را معرفی کرده است. ورزشگاهی که در بازی برابر السد نشان داد هرچند دور از ایران است اما می‌تواند، فضا و رنگ میزبانی را تا حدودی برای تیم‌های ما داشته باشد.



شد». این پژوهش‌گر و اسطوره‌شناس، بر ضرورت توجه به سن مخاطب در انتقال روایت‌های اسطوره‌ای تأکید کرد و گفت: «بسیاری از صحنه‌های تراژیک و غمناک را نباید برای کودکان در سنین ابتدایی نمایش داد. «رستم و سهراب» برای کودکان زود است اما «بستور» این گونه نیست؛ در «بستور»، عنصر قهرمانی بر عنصر تراژیک غلبه می‌کند و قهرمانی جایگزین سوگ و غم مرگ پدر می‌شود». اسماعیل‌پور با اشاره به پیوند اسطوره با ناخودآگاه و ریشه‌های فرهنگی ادامه داد: «اسطوره‌ها می‌توانند ناخودآگاه ما را با ریشه‌های ملی پیوند دهند. امروز در عصر اطلاعات قرار داریم و اگر این میراث را رها کنیم، اسطوره‌هایمان به‌تدریج از میان می‌روند. امروز بچه‌های ما نژوس و هرکول را بهتر از بسیاری از شخصیت‌های اساطیری ایرانی می‌شناسند. ابتدا باید کودکان و نوجوانان را با ریشه‌های بومی خودشان آشنا کنیم و بعد به سراغ اسطوره‌های جهان برویم. غرب تلاش می‌کند دنیا را با اساطیر خودش آشنا کند و ما هم وظیفه داریم نسل جدید را با ریشه‌های هویتی خودشان آشنا کنیم؛ این یک وظیفه تاریخی است. بهرهرادر بهار همان زمان این خطر را احساس کرده بود که اسطوره‌های ایرانی در معرض فراموشی قرار دارند. به همین دلیل، جایگاه او به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران ارزشمند اسطوره‌شناسی ایران، جایگاهی پایدار است».

اسماعیل‌پور دربارهٔ نقش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در زنده نگه داشتن میراث اسطوره‌های ایران پیشنهاد کرد این نمایش به شکل سراسری اجرا شود و گفت: «این نمایش می‌تواند به اجرایی سراسری تبدیل شده و در همه مراکز کانون در شهرستان‌ها اجرا شود». او هم چنین با اشاره به سه کتاب مهرداد بهار برای کودکان و نوجوانان که امروز نایاب هستند، پیشنهاد تجدید چاپ این آثار را مطرح کرد و افزود: «کتاب‌هایی که مهرداد نوشته نایاب است و تجدید چاپ آن بسیار خوب خواهد بود، چون در حال حاضر فقط نسخه‌های کتابخانه‌ای در دسترس عموم هستند». این پژوهش‌گر و اسطوره‌شناس با بیان این که از ظرفیت نویسندگان و همکاران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای بازآفرینی بخش‌های دیگر اساطیر ایران استفاده شود، گفت: «کتاب‌های پژوهشی که در ایران داریم و همکاران کانون که نویسنده هستند، می‌توانند بخش‌های دیگر اساطیر را به داستان تبدیل کنند و از آن‌ها تئاتر بسازند. از اسطوره‌های دیگر هم می‌توان مطرح کرد و داستان نوشت یا آن‌ها را به تئاتر تبدیل کرد».

استقبال در ونیز

همزمان با جنجال‌های سیاسی، واکنش جامعه سینمایی به «نازا» مثبت بوده است. فیلم در نخستین نمایش خود در ونیز با ۲۵ دقیقه تشویق ایستاده تماشاگران مواجه شد و در ادامه جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره را دریافت کرد. «هالیوود ریپورتر» آن را مستندی جدی و ضروری درباره ماشین کشتار ارتش اسرائیل در غزه خوانده است. «ایندی وایر» به فیلم بالاترین امتیاز خود، یعنی «الف»، داده و «نکست بست پیکچرز» نیز امتیاز ۹ از ۱۰ را برای آن در نظر گرفته و فیلم را یکی از آثار قابل توجه در مسیر رقابت اسکار بهترین مستند دانسته است. «اسکرین اینترنشنال» فیلم را اثری فوری و کوبنده توصیف کرده و «درپ» آن را کیفرخواستی تیره علیه ارتش اسرائیل نامیده است. «گاردین» نیز به فیلم چهار ستاره از پنج ستاره داده است.

پرسش‌های مهم درباره غزه

اهمیت «نازا» صرفاً در موفقیت آن در ونیز یا واکنش تند مقام‌های اسرائیلی خلاصه نمی‌شود. این فیلم تلاش می‌کند یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌های جنگ غزه را از زاویه‌ای متفاوت مطرح کند: مرگ غیرنظامیان در این جنگ تا چه اندازه نتیجه اشتباه، و تا چه اندازه حاصل تصمیم و محاسبه پیشینی بوده است؟ این پرسش در شرایطی مطرح می‌شود که جنگ غزه، بنا بر آمار ارائه‌شده از سوی وزارت بهداشت غزه، ده‌ها هزار کشته و زخمی برجای گذاشته و بخش بزرگی از این منطقه را ویران کرده است. دسترسی محدود خبرنگاران خارجی به غزه نیز امکان مشاهده مستقل بسیاری از ابعاد جنگ را دشوار کرده است. «نازا» از این جهت نیز قابل توجه است که بخشی از روایت درباره جنگ غزه را از زبان اسرائیلی‌ها بازتاب می‌دهد و فیلم‌سازان آن نه ناظران خارجی، بلکه شهروندان اسرائیلی هستند و منابع اصلی آن نیز، بنا بر روایت سازندگان، از داخل ساختار نظامی و اطلاعاتی اسرائیل آمده‌اند. «نازا» از پشت‌پرده‌های شبانه تل‌آویو آغاز می‌شود، اما موضوع‌اش شهری در فاصله صدها کیلومتری آن است: غزه. شاید مهم‌ترین دستاورد فیلم همین جابه‌جایی باشد: آوردن جنگ از تصاویر ویرانه‌ها و آمار تلفات به درون اتاق‌های تصمیم‌گیری و پرسیدن این سوال که پیش از آن که بمبی بر خانه‌ای فرود بیاید، چه کسانی، با چه اطلاعاتی و بر اساس چه محاسباتی تصمیم گرفته‌اند که آن خانه هدف قرار گیرد.



تخت جمشید، تخت داریوش بوده است. جمشید نماد عصر آرمانی فرهنگ ایران است؛ نوروز را می آورد، کشاورزی با نام او پیوند دارد و در زمان جمشید، بنا بر روایت های اسطوره ای، کسی نمی میرد. همه این ها اسطوره است، اما زیباست و مردم او را دوست داشته اند؛ به عنوان کسی که عاشق سرزمین ایران بود و برای مبارزه با دشمنان ایرانیان و اهریمن می کوشید. کتاب «جمشیدشاه» هم در اوج آثار کودکان و نوجوانان قرار دارد.

بستور قهرمان

این پژوهشگر و اسطوره‌شناس سپس با اشاره به ویژگی‌های کتاب «بستور» افزود: «بستور هم تراژیک است و هم عنصر قهرمانی دارد. بستور، پسر زریب است؛ زریب ناجوان‌مرانده در جنگ میان ایران و توران کشته می‌شود و فدای سرزمین ایران و آئین ایرانی می‌شود. این جنگ، جنگی دینی میان پیروان زرتشت و دشمنان ایران است. بستور که کودک و نوجوانی کم‌سن‌وسال است، برای انتقام مرگ پدرش قهرمانی می‌کند، به او اجازه نمی‌دهند وارد صحنه جنگ شود، اما پنهانی سوار اسب و وارد میدان جنگ می‌شود. عنصر قهرمانی بستور اهمیت زیادی دارد؛ او فقط در مرگ پدرش سوگواری نمی‌کند، می‌تازد و وارد میدان می‌شود. اسفندیار نیز با بستور همراه می‌شود؛ اسفندیار نماد رویتنی است. بستور نوجوان است و حضور او به ایرانیان روحیه می‌دهد و سرانجام پیروز می‌شوند. بستور به‌عنوان قهرمان کودک و نوجوان در «سوگ‌نامه یادگار زریران» جاودانه می‌شود. این داستان عنصر حماسی هم دارد و جنگ دینی را روایت می‌کند؛ در حقیقت یک حماسه است. از این نظر، انتخاب عنوان «بستور، سپهسالار کوچک» برای نمایشی که امروز روی صحنه رفته، انتخابی به‌جا و خوب است، چون روحیه قهرمانی به کودکان می‌دهد».

او دربارهٔ تأثیر آشنایی کودکان و نوجوانان با جهان اساطیری بر شناخت آن‌ها از خود و جهان گفت: «این آشنایی به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند. اسطوره‌ها اگرچه شکل داستانی و تخیلی دارند اما بیان‌گر واقعیت‌ها هستند. کودکانی که با اسطوره‌های ملی خود آشنا می‌شوند، هویت ملی و سنتی خود را بهتر می‌شناسند و آن را حفظ می‌کنند. ملتی که هویت خودش را می‌شناسد و به هویت خودش متکی است، هیچ‌وقت تسلیم بیگانگان نمی‌شود و دچار خودباختگی نخواهد

بلکه حمله‌ای علیه دولت اسرائیل دانست و مدعی شد که فیلم بر «اتهام‌های خوین، تحریف عامدانه واقعیت و اتهام‌های سنگین و نادرست» علیه سربازان و فرماندهان اسرائیلی بنا شده است. او از دادستان نظامی خواسته است امکان اقدامات قانونی درباره فیلم و افراد دخیل در ساخت آن را بررسی کند. میکی زوهار، وزیر فرهنگ و ورزش اسرائیل، موضعی تددت گرفت و از بررسی احتمال اقداماتی علیه سازندگان فیلم سخن گفت. او همچنین خواستار بررسی لغو تابعیت اسرائیلی آبراهام و زور به دلیل آنچه «خیانت» خوانده شد، شده است. این واکنش‌ها نشان می‌دهد که «اتازا» برای مقام‌های اسرائیلی فراتر از یک فیلم مستند درباره جنگ است.

حمایت فیلم سازان

در مقابل این واکنش‌ها، بیش از ۲۰۰ فیلم‌ساز اسرائیلی با امضای طوماری از سازندگان «نازا» حمایت کرده‌اند. آری فولمن، شلومی الکبتز، ران تال و میخال آویاد از جمله چهره‌های شناخته‌شده‌ای هستند که نامشان در میان امضاکنندگان دیده می‌شود. در این طومار پر نقش هنر و روزنامه‌نگاری در ایجاد امکان نگاه کردن جامعه به خودش تأکید شده است؛ مسئله‌ای که «نازا» نیز به شکل مستقیم با آن درگیر است. فیلم‌سازان تلاش کرده‌اند بخشی از جنگ غزه را نه از زاویه پیاپی‌های رسمی، بلکه از خلال روایت کسانی نشان دهند که مدعی‌اند در بخشی از فرآیند نظامی آن حضور داشته‌اند. آبراهام هنگام دریافت جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره ونیز گفت هدف آنها این بوده که با بیشترین





شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان کرمانشاه
(سهامی خاص)

FR-CO-37/300

شماره آگهی ۲۷۷۷۷۰۱

نوبت اول

فراخوان مناقصه عمومی

همزمان با ارزیابی کیفی (یک مرحله ای)

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه

۱۴۰۵/۰۶/۱۱ به نشانی

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

زمان بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی: ساعت ۹:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۳

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس: کرمانشاه، میدان آزادی، ابتدای بلوار شهید بهشتی شرکت گاز استان کرمانشاه طبقه اول اتاق ۲۱۵ یا پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی (www.NIGC-Kshir) مراجعه نمایند.

کد پستی: ۴۷۱۵۶۱۵۴۸ شماره ثبت: ۱۰۰۰۰

کد اقتصادی: ۴۱۱۱۲۹۵۸۷۵۷ شماره ملی: ۱۰۶۶۰۱۰۰۲۸۱

شرکت گاز استان کرمانشاه در نظر دارد مناقصه عمومی به شماره ۲۷۷۷۷۰۰۰۴ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

موضوع مناقصه: توشه فروش سامور، معمولی و توشه ی کپلینگ با نیپل یک تکه یا هافبوز شیر میراستاسپ انشعابات مشترک شیر مرکز استان

شرکت های متقاضی دارای اهلی صلاحیت می باشند در رشته های تاسیسات و تجهیزات و با نفت و گاز می توانند در صورت داشتن طرح مجاز کار، کلیه مدارک و گزارش کار مناقصه اعم از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها را از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سایت) بگیرند.

لزام است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت آگهی امضای الکترونیکی و اصل شرکت در مناقصه محقق سازند.

برآورد صورت گرفت در مناقصه: ۲۹۶،۷۹۰،۹۹۴ ریال

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲۹،۶۷۹،۰۹۴ ریال

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۸

روابط عمومی شرکت گاز استان کرمانشاه

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

ارتفاع تازه

آیا ورود شاخص بورس به کانال ۷.۵ میلیون واحد مسیر صعود را دشوارتر می کند؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

بورس تهران در هفته‌های گذشته تقریباً هر روز مرز تازه‌ای را پشت سر گذاشته است اما هرچه شاخص بالاتر می‌رود، آزمون بازار نیز دشوارتر می‌شود. معاملات سه‌شنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۵ از یک‌سو با ثبت رکورد تاریخی ۷.۵ میلیون واحدی و ورود بیش از ۷ هزار میلیارد تومان پول به سهام همراه بود و از سوی دیگر کاهش سرعت رشد شاخص‌ها نشان داد که بازار در ارتفاعات جدید با احتیاط بیشتری حرکت می‌کند. اکنون پرسش اصلی این است که تقدینگی قدرتمند تازه‌وارد می‌تواند بر عرصه سهامداران متمایل به شناسایی سود غلبه کند یا ورود به کانال ۷.۵ میلیون واحد، نقطه آغاز استراحت بورس خواهد بود؟ شاخص کل بورس دیروز با افزایش ۱۲۸ هزار و ۷۰۹ واحدی معادل ۱.۷۴ درصد به ارتفاع ۷ میلیون و ۵۲۱ هزار و ۹۵۹ واحد رسید. به این ترتیب، شاخص برای نخستین‌بار وارد کانال ۷.۵ میلیون واحد شد و رکورد تاریخی دیگری به جا گذاشت. شاخص هم‌وزن نیز ۲۳ هزار و ۳۴۹ واحد معادل ۱.۱۷ درصد افزایش یافت و در سطح ۲ میلیون و ۱۷ هزار و ۴۹۵ واحد ایستاد. مقایسه عملکرد دو شاخص نشان می‌دهد که اگرچه شرکت‌های بزرگ، نقش پررنگ‌تری در رشد بازار داشتند اما صعود بورس محدود به چند سهم شاخص‌ساز نبود. در پایان معاملات ۶۹۴ نماد مثبت و تنها ۱۶۷ نماد منفی بودند. چنین اختلافی نشان می‌دهد، تقاضا همچنان در بخش بزرگی از بازار جریان دارد. با این حال مهم‌ترین ویژگی معاملات سه‌شنبه شاید نه رکورد جدید شاخص بلکه کاهش شتاب رشد آن باشد. بورس در روزهای گذشته، دوره‌ای از صعودهای بسیار سریع را پشت سر گذاشته و اکنون طبیعی است که با افزایش قیمت سهام، بخشی از سرمایه‌گذاران به فکر شناسایی سود بیفتند. ورود شاخص به محدوده‌های بی‌سابقه نیز تحلیل بازار را دشوارتر می‌کند زیرا مقاومت‌های تاریخی مشخصی برای مقایسه وجود ندارد. در چنین شرایطی رفتار تقدینگی اهمیت بیشتری از خود شاخص پیدا می‌کند. از این منظر، آمار معاملات سه‌شنبه همچنان به سود خریداران است. در این روز ۷ هزار و ۲۹۶میلیارد تومان پول وارد سهام، حق‌تقدما و صندوق‌های سهامی شد. ورود بیش از ۷ همت پول در یک روز نشان می‌دهد که با وجود رشد قابل توجه قیمت‌ها هنوز بخشی از تقدینگی در حال حرکت به سمت بازار سهام است. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با خروج هزار و ۷۷۵ میلیارد تومان پول مواجه شدند. همزمانی خروج سرمایه از ابزارهای کم‌ریسک با ورود سنگین پول به سهام می‌تواند، نشانه افزایش ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران باشد. به بیان دیگر، بخشی از سرمایه‌ها ترجیح داده‌اند از محل‌های امن‌تر خارج شوند و در بازاری قرار گیرند که در هفته‌های گذشته، بازدهی بالاتری داشته است. آمار سفارش‌ها نیز همچنان از برتری خریداران حکایت دارد. در پایان معاملات ارزش سفارش‌های خرید به ۱۴ هزار و ۳۲۴ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش تنها ۹۲۹ میلیارد تومان بود. فاصله بیش از ۱۵ برابری میان سفارش‌های خرید و فروش نشان می‌دهد که دست‌کم در پایان معاملات، فشار تقاضا همچنان بسیار بیشتر از عرضه بوده است. همین وضعیت در منفع‌های خرید و فروش نیز مشاهده می‌شود. ۴۲۸ نماد با صف خرید معاملات را به پایان رساندند و تنها ۳۷ نماد در صف فروش قرار داشتند. سرانه خرید حقیقی‌ها حدود ۱۰۰ میلیون تومان و سرانه فروش ۹۴ میلیون تومان بود و نسبت قدرت خرید نیز به ۱.۰۶ رسید. این ارقام به تنهایی از جهش تازه بازار خبر نمی‌دهند اما نشان می‌دهند هنوز تغییر محسوسی در موازنه قدرت به سود فروشندگان رخ نداده است. ارزش معاملات نیز همچنان در سطح بالایی قرار دارد. در معاملات سه‌شنبه حدود ۸۵ میلیارد سهم جابه‌جا شد و ارزش معاملات سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به ۴۳ هزار و ۹۹ میلیارد تومان رسید. این رقم نسبت به ارزش بیش از ۵۲ هزار میلیارد تومانی معاملات روز قبل کاهش یافته اما همچنان عدد بزرگی است و نشان می‌دهد بازار از تقدشوندگی و تحرک بالایی برخوردار است. کاهش ارزش معاملات از ۵۲ به ۴۳ همت در کنار کاهش شتاب رشد شاخص البته می‌تواند نخستین نشانه از ورود بورس به مرحله‌ای متفاوت باشد. پس از یک دوره صعود سریع، ادامه رشد معمولاً نیازمند ورود مستمر پول تازه است. هرچه قیمت‌ها بالاتر می‌روند، تعداد سهامدارانی که انگیزه شناسایی سود دارند، بیشتر می‌شود و در نتیجه خریداران برای حفظ روند صعودی باید منابع بیشتری وارد بازار کنند. از این منظر معاملات روزهای آینده اهمیت زیادی دارد. اگر ورود پول حقیقی ادامه یابد و ارزش معاملات در سطوح بالا باقی بماند، عبور از ۷.۵ میلیون واحد می‌تواند به سکوی تازه‌ای برای ادامه صعود تبدیل شود. اما اگر هم‌زمان با افزایش عرضه، ورود پول کاهش یابد، بازار ممکن است پس از چند هفته رشد سریع وارد دوره‌ای از استراحت و دست‌به‌دست شدن سهام شود. فعلاً کفه ترازو همچنان به سود خریداران است؛ بیش از ۷ همت ورود پول، ۲۲۸ صف خرید، گسترده گنگی نمادهای مثبت و ارزش بالای سفارش‌های خرید همگی از قدرت تقاضا حکایت دارند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

دوربرگردان اقتصادی

احسان خاندوزی به‌جای علی آقامحمدی رئیس گروه اقتصادی دفتر رهبری شد

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

احسان خاندوزی، دوباره به یکی از نقاط مهم سیاست‌گذاری اقتصادی بازگشت. این بار نه در قامت وزیر و نه در جایگاه نماینده مجلس بلکه در موقعیتی که شاید قدرت اجرایی مستقیم کمتری داشته باشد اما می‌تواند بر جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی کشور اثر بگذارد. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، وزیر اقتصاد دولت سیزدهم به ریاست گروه اقتصادی دفتر رهبر انقلاب منصوب و جانشین علی آقامحمدی شده است. انتصاب خاندوزی از این جهت اهمیت دارد که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری با ضرورت تصمیم‌های دشوار مواجه است. از اصلاح قیمت انرژی و یارانه‌ها تا اصلاح نظام بانکی، مالیات، بودجه و صندوق‌های بازنشتگی. بسیاری از این اصلاحات نه فقط به تصمیم دولت که به ایجاد اجماع در سطوح بالاتر سیاست‌گذاری نیاز دارند. خاندوزی در میان مدیران اقتصادی جمهوری اسلامی چهره‌ای نسبتاً جوان است. متولد سال ۱۳۵۹ در گرگان است، تحصیلات خود را در رشته معارف اسلامی و اقتصاد در دانشگاه امام صادق آغاز کرد سپس دکتری اقتصاد گرفت. پیش از ورود به سیاست اجرایی، بخش مهمی از فعالیتش در حوزه پژوهش و دانشگاه گذشت. در مرکز پژوهش‌های مجلس فعالیت کرد و تا مدیریت کل اقتصادی این مرکز پیش رفت؛ سپس عضو

هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و مدیر گروه اقتصاد اسلامی این دانشگاه شد. دبیر شورای اقتصادی صداوسیما، کارشناس کمیسیون اقتصاد کلان و بازرگانی مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو هیأت مقررات‌زایی نیز از دیگر سوابق اوست. نقطه عطف زندگی سیاسی خاندوزی اما انتخابات مجلس یازدهم بود. او به نمایندگی تهران وارد مجلس شد، نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی و رئیس فراکسیون تولید و فضای کسب‌وکار شد و خیلی زود در زمره چهره‌های اقتصادی پرتحرک مجلس قرار گرفت. با تشکیل دولت سیدابراهیم رئیسی در سال ۱۴۰۰ خاندوزی به‌عنوان وزیر امور اقتصادی و دارایی معرفی شد و مجلس نیز به او رأی اعتماد داد. در آن زمان شاید کمتر کسی تصور می‌کرد این چهره دانشگاهی جوان بتواند در یکی از نامهم‌گون‌ترین تیم‌های اقتصادی دولت‌های چند دهه اخیر دوام بیاورد. دولت رئیسی از همان ابتدا با مشکل تعدد فرماندهان اقتصادی اقتصادی مواجه بود. محمد مخبر در مقام معاون اول، مسعود میرکاظمی در سازمان برنامه و بودجه، محسن رضایی در معاونت اقتصادی رئیس جمهوری، فرهاد رهبر در جایگاه مشاور و دستیار اقتصادی و احسان خاندوزی در وزارت اقتصاد و محمدرضا فرزین در بانک‌مرکزی هر کدام دیدگاه و شبکه مدیریتی خود را داشتند. گزارش‌های همان دوره نیز از وجود چند حلقه متفاوت در تیم اقتصادی و رقابت میان مخبر، میرکاظمی و رضایی خبر می‌دادند. خاندوزی در چنین محیطی باید برای تثبیت موقعیت خود می‌جنگید. تفاوت او با برخی دیگر از اعضای دولت رئیسی این بود که کمتر وارد جنگ‌های رسانه‌ای می‌شد و بیشتر تلاش می‌کرد، شبکه کارشناسی و مدیریتی خود را در وزارت اقتصاد مستقر کند. او برخلاف حجت عبدالملکی که برخی اظهارنظرهایش درباره ایجاد اشتغال و سیاست‌های بازار کار به سرعت جنجالی می‌شد معمولاً محتاط‌تر سخن می‌گفت و برخلاف برخی مدیران دولت نیز کمتر با پرونده‌های مربوط به شبکه‌های ذی‌نفع شناخته شد. نقطه قوتش بیش از هر چیز ترکیبی از هوش سیاسی، صبر اداری و توانایی کار در ساختار قدرت بود. در ماه‌های نخست دولت، محسن رضایی تلاش داشت، معاونت اقتصادی رئیس‌جمهوری را به مرکز تصمیم‌گیری اقتصادی تبدیل کند. میرکاظمی نیز به پشتوانه سازمان برنامه، قدرت زیادی در بودجه و تخصیص منابع داشت. فرهاد رهبر نیز از نزدیکان فکری و اجرایی رئیسی محسوب می‌شد. اما به‌تدریج موازنه تغییر

کرد. رئیسی مسئولیت هماهنگی تیم اقتصادی را به محمد مخبر سپرد و همین اتفاق موقعیت رضایی را تضعیف کرد. گزارش‌های آن دوره نشان می‌دهند، مخبر عملاً به محور هماهنگی اقتصادی دولت تبدیل شد. خاندوزی از این تغییر موازنه سود برد. او به‌جای رقابت با مخبر در بسیاری از پرونده‌ها در کنار معاون اول قرار گرفت. نتیجه این همراهی به مرور آشکار شد. فرهاد رهبر هیچگاه نتوانست به مرکز ثقل سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شود. محسن رضایی در خرداد ۱۴۰۲ از معاونت اقتصادی کنار رفت و مسعود میرکاظمی نیز سازمان برنامه و بودجه را ترک کرد. رسانه‌ها در آن زمان خاندوزی را «تنها بازمانده» مثلث اصلی اقتصادی ابتدای دولت توصیف کردند. پس از تغییر رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان برنامه، او همچنان در وزارت اقتصاد باقی مانده بود. به این معنا می‌توان گفت، خاندوزی در رقابت درون تیم اقتصادی دولت رئیسی برنده



شد. نه لزوماً به این دلیل که سیاست‌های اقتصادی مورد نظرش به طور کامل اجرا شد بلکه به این دلیل که توانست موقعیت خود را حفظ کند، شبکه کارشناسی خود را گسترش دهد و در ساختاری پرتتش، خود را به‌عنوان مدیری قابل اتکا تثبیت کند. در زبان سیاست می‌توان گفت «کت تن او بود». با این حال اهمیت دوره وزارت خاندوزی فقط در بقای سیاسی او نیست. وزارت اقتصاد برای او یک مدرسه بزرگ سیاست‌گذاری بود. فاصله میان اقتصاد دانشگاهی و اقتصاد سیاسی ایران بسیار زیاد است و کسی که وارد دولت می‌شود خیلی زود متوجه می‌شود که اصلاح یک قیمت یا حذف یک امتیاز صرفاً حل یک معادله اقتصادی نیست. پشت هر قیمت، یارانه، مجوز و معافیت شبکه‌ای از ذی‌نفعان و ملاحظات سیاسی قرار دارد. در دوره خاندوزی چند پروژه مهم دنبال شد. یکی از آنها توسعه درگاه ملی مجوزها و تلاش برای کاهش موانع ورود به کسب‌وکار بود. پروژه دیگر هوشمندسازی نظام مالیاتی و گسترش سامانه مودیان و صورتحساب‌های الکترونیکی بود. خاندوزی در پایان دوره وزارت خود اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و حرکت از مالیات‌ستانی مبتنی بر اسناد کاغذی به سمت نظام هوشمند را یکی از تغییرات مهم دوره خود می‌دانست. شفاف‌سازی صورت‌های مالی شرکت‌های دولتی و هوشمندسازی یارانه آرد و نان نیز در همین دوره دنبال شد. البته کارنامه اقتصادی دولت سیزدهم را نمی‌توان صرفاً با این اصلاحات نهادی ارزیابی کرد. تورم بالا باقی ماند، بی‌ثباتی ارزی ادامه یافت و بخش بزرگی از وعده‌های دولت درباره بهبود سریع معیشت مردم محقق نشد. وزارت اقتصاد نیز مسئول تمام این مشکلات نبود اما نمی‌توان وزیر اقتصاد را از نتیجه کلی سیاست اقتصادی دولت جدا کرد. از همین‌رو بازگشت خاندوزی نباید به‌معنای تأیید کامل کارنامه او تلقی شود. نکته مهم‌تر شاید تحول نگاه او باشد. تجربه وزارت، خاندوزی دانشگاهی را با محدودیت‌های واقعی سیاست‌گذاری آشنا کرد. او در حوزه انرژی بعدها سریع‌تر درباره ضرورت اصلاح سخن گفت و تأکید کرد که اگر سیاست‌گذار با شجاعت به استقبال مسائل نرود، سرانجام مسئله خود را تحمیل می‌کند و هزینه اجتماعی اصلاح را افزایش می‌دهد. او درباره تجربه اصلاح حامل‌های انرژی نیز گفته بود که سیاستگذار در این حوزه «هزینه زیاد داده» اما «درس کمتر گرفته است». در حوزه نان نیز دولت سیزدهم به‌جای ادامه شکل سنتی پرداخت یارانه

به سمت هوشمندسازی رفت و خاندوزی اصلاح سیاست حمایتی نان را از اولویت‌های دولت معرفی کرده بود. البته انعطاف خاندوزی به‌معنای اصرار بر اصلاح در هر شرایطی نیست. نمونه مهم آن موضع اخیر او درباره قیمت‌های کلیدی است؛ در شرایط جنگ و التهاب اجتماعی، او هشدار داده که اکنون زمان مناسبی برای اصلاح قیمت‌های حساس نیست. همین تفاوت میان «ضرورت اصلاح» و «انتخاب زمان اصلاح» شاید یکی از مهم‌ترین درس‌هایی باشد که تجربه اجرایی به او آموخته است.

حلقه خاندوزی و مدنی‌زاده

انتصاب جدید از او به رابطه خاندوزی با سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر فعلی اقتصاد نیز اهمیت دارد. مدنی‌زاده از نظر سابقه دانشگاهی و دستگاه فکری، تفاوت‌هایی با خاندوزی دارد. تحصیل کرده دانشگاه شیکاگو و اقتصاددانی با گرایش روشن‌تر به سازوکار بازار و منتقد قیمت‌گذاری دستوری است. با این حال گزارش‌های زمان معرفی او به وزارت اقتصاد بر نزدیکی و ارتباط سیاسی و کارشناسی او با خاندوزی تأکید داشتند. مهم‌تر اینکه بخشی از مدیران و کارشناسان دوره خاندوزی همچنان در مجموعه وزارت اقتصاد حضور دارند. بنابراین میان گروه اقتصادی دفتر رهبری و وزارت اقتصاد، کانال ارتباطی بالقوه‌ای شکل گرفته که در صورت همکاری می‌تواند برای پیشبرد اصلاحات مهم باشد. این مسئله در اقتصاد که اختلاف میان دستگاه‌ها بارها اصلاحات را متوقف کرده، اهمیت کمی ندارد. اما انتصاب خاندوزی در دفتر رهبری دقیقاً چه معنایی دارد؟ نخست اینکه او پس از پایان دولت سیزدهم از مدار سیاست‌گذاری حذف نشده است. انتخاب یک وزیر سابق ۴۶ ساله به‌جای علی آقامحمدی نشان‌دهنده نوعی تغییر نسلی در یکی از حلقه‌های مشورتی اقتصادی مهم است. دوم اینکه این جایگاه می‌تواند، خاندوزی را از مسئولیت مستقیم اداره روزمره اقتصاد آزاد کند و به او امکان دهد تا روی سیاست‌های بلندمدت‌تر تمرکز کند. اما مهم‌ترین پیام انتصاب شاید به مسئله اقتصاد سیاسی اصلاحات مربوط باشد. مشکل اقتصاد ایران مدت‌هاست کمبود نسخه اقتصادی نیست. تقریباً درباره بسیاری

از ناترازی‌ها تشخیص روشن است. قیمت انرژی با واقعیت‌های اقتصادی فاصله دارد، نظام بانکی با ناترازی روبه‌روست، صندوق‌های بازنشتگی فشار فرایند‌ای بر بودجه وارد می‌کنند، نظام یارانه‌ای منابع بزرگی را به شکلی غیرهدفمند توزیع می‌کند و دولت همچنان با کسری‌های مزمن مواجه است. مسئله اصلی این است که چه کسی هزینه سیاسی اصلاح این ساختارها را می‌پذیرد. در چنین فضایی خاندوزی می‌تواند، نقش متفاوتی داشته باشد. او هم زبان ساختار سیاسی را می‌شناسد، هم تجربه مجلس دارد، هم سه سال وزارت کرده و هم با نسل جدید اقتصاددانان و مدیران اقتصادی ارتباط دارد. مهم‌تر از همه اینکه برخلاف برخی مدیران ایدئولوژیک‌تر دولت سیزدهم، قابلیت انعطاف و سازگاری بیشتری نشان داده است. همین ویژگی توضیح می‌دهد چرا می‌تواند در محیط‌های سیاسی متفاوت فعالیت کند. با این حال نباید درباره قدرت یک فرد اغراق کرد. حتی اگر خاندوزی کاملاً به ضرورت اصلاح قیمت انرژی، اصلاح نظام مالیاتی، کاهش مداخلات قیمتی و اصلاح ناترازی‌ها معتقد باشد، موفقیت او وابسته به شکل‌گیری یک اجماع سیاسی‌بزرگ‌تر است. اصلاحات اقتصادی در ایران معمولاً نه به دلیل فقدان ایده بلکه به دلیل ترس از پیامدهای اجتماعی، مقاومت ذی‌نفعان و اختلاف میان مراکز تصمیم‌گیری متوقف می‌شود. از این منظر، آزمون اصلی احسان خاندوزی تازه آغاز شده است. در وزارت اقتصاد می‌توانست مجوزها را الکترونیکی کند، نظام مالیاتی را هوشمندتر کند یا پروژه یارانه نان را پیش ببرد. اما اکنون پرسش بزرگ‌تر این است که آیا می‌تواند به ایجاد اجماع برای اصلاحاتی کمک کند که سسال‌ها به تعویق افتاده‌اند؟ اگر پاسخ مثبت باشد، بازگشت احسان خاندوزی می‌تواند بیش از یک جابه‌جایی اداری معنا داشته باشد. شاید مهم‌ترین سرمایه او در موقعیت جدید نه دانش دانشگاهی و نه حتی سابقه وزارت بلکه تجربه‌ای باشد که از برخورد مستقیم با واقعیت اقتصاد ایران به‌دست آورده است؛ اینکه اصلاح اقتصادی فقط داشتن نسخه درست نیست؛ باید زمان مناسب را شناخت، ائتلاف سیاسی ساخت، ذی‌نفعان را مهار کرد و برای هزینه‌های اجتماعی اصلاح نیز راه‌حل داشت. خاندوزی اکنون در جایگاهی قرار گرفته که شاید بتواند میان ضرورت اقتصادی و امکان سیاسی پل بزند. اگر چنین پلی ساخته شود، حضور او می‌تواند مسیر اصلاحات را هموارتر کند.

آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

بخش دو بجنودر پلاک ۱۰۰ اصلی اراضی قزلقان

۱- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی در قسمتی از پلاک ۶۵ فرعی ۱۰۰ اصلی به مساحت ۲۰۸۱ متر مربع ابتدای آقای رمضان شاکری به شماره ملی ۰۶۸۱۱۰۵۳۳۱ از محل مالکیت رسمی کدخدا بیک محمد رجبعلی محمد نیا برابر رأی شماره ۳۷۲۷-۱۴۰۵ - مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ کلاسره پرونده ۱۴۰۴-۱۴۰۵/۰۵/۱۷ و بدین وسیله به فروشدگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترضین باید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود ضمنا صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.شماره آگهی ۲۲۶۲۴۰۳-۱۴۰۵/۰۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم۱۴۰۵/۰۶/۲۵

مهدی سیاوشی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیأت مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد مورد رسیدگی و تأیید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهیهای ثبتی (کثیر الانتشار و محلی) بشرح ذیل آگهی می گردد:

بخش دو بجنودر پلاک ۱۶۹ اصلی اراضی صدراتباد

۱- سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب منزل مسکونی در قسمتی از پلاک ۱۶۰ فرعی ۱۶۹- اصلی به مساحت ۱۵۷/۲۴ متر مربع ابتدای آقای علی فریدی پیرزینل بک به شماره ملی ۰۸۲۸۸۳۴۴۳۱ از محل مالکیت رسمی محمد جفاکش برابر رأی شماره ۲۷۷۱-۱۴۰۵- مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۱۰ کلاسره پرونده ۱۴۰۴-۱۴۰۵- سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب منزل مسکونی در قسمتی از پلاک ۱۶۰ فرعی ۱۶۹- اصلی به مساحت ۱۵۷/۲۴ متر مربع ابتدای ختم دلکش فریدی به شماره ملی ۰۸۲۸۸۳۴۴۳۰ از محل مالکیت رسمی محمد جفاکش برابر رأی شماره ۲۷۷۰- ۱۴۰۵- مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۱۰ کلاسره پرونده ۱۴۰۴-۱۴۰۵- ششدانگ یکباب ساختمان در قسمتی از پلاک ۱۶۰ فرعی ۱۶۹- اصلی به مساحت ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ متر مربع ابتدای آقای محمد دانستانی به شماره ملی ۰۸۷۲۹۱۵۸۸۳ از محل مالکیت رسمی غلامحسین حمایلی برابر رأی شماره ۳۰۸۶-۱۴۰۵- مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ کلاسره پرونده ۱۴۰۴-۱۰/۱۰

چرانبض، چرا محله؟

ورزش؛ دروازه‌ای برای بازسازی زندگی جمعی



محمدهادی عسکری

معاون فرهنگی و اجتماعی
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

انسان تا زمانی زنده است که نبض او می‌زند. نبض، نشانه جریان مداوم حیات در پیکره انسان است؛ نه یک‌بار زدن بلکه تداوم حرکت. جامعه نیز چنین است. ممکن است ساختمان‌ها پابرجا باشند، خیابان‌ها روشن باشند، خدمات عمومی برقرار باشد و حتی شاخص‌های اقتصادی در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشند اما اگر ارتباط میان مردم، اعتماد متقابل، احساس تعلق و توان اقدام جمعی تضعیف شود، زندگی اجتماعی به تدریج فرسوده می‌شود.

محله نیز موجودی زنده اجتماعی است و نبض دارد. نبض محله را باید در میزان حضور مردم در کنار یکدیگر، در روابط همسایگی، در اعتماد، در مشارکت داوطلبانه، در توان گفت‌وگو و در آمادگی مردم برای حل مسائل مشترک جست‌وجو کرد. از این منظر، پرسش اصلی «نبض محله» این نیست که در یک محله چند برنامه برگزار شده یا چند فضای ورزشی افتتاح شده است؛ پرسش این است که آیا زندگی جمعی در آن محله جریان دارد یا نه؟

چرا محله؟

محله، پس از خانواده، نزدیک‌ترین و ملموس‌ترین عرصه زندگی اجتماعی انسان است. مردم در محله زندگی می‌کنند، فرزندان خود را بزرگ می‌کنند، خرید می‌کنند، کار و اوقات فراغت خود را سامان می‌دهند و با مسائل روزمره مواجه می‌شوند.

بسیاری از مسائل اجتماعی نیز پیش از آنکه به مسئله‌ای ملی و پرهزینه تبدیل شوند، نشانه‌های اولیه خود را در همین مقیاس نشان می‌دهند: تنهایی سالمندان، کم‌تحركی کودکان و نوجوانان، گسترش مصرف دخانیات، کاهش ارتباط میان همسایگان، انزوای اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، ضعف تعلق محلی و کاهش اعتماد. با این حال، سیاست‌گذاری اجتماعی غالباً از بالا به پایین و در مقیاس‌های کلان طراحی می‌شود و زمانی به محله می‌رسد که مسئله از مرحله پیشگیری عبور کرده و به آسیب تثبیت‌شده، تبدیل شده است.

محله‌محوری تلاشی برای معکوس کردن این مسیر است: دیدن مسئله در جایی که شکل می‌گیرد و فعال کردن ظرفیت اجتماعی همان جایی که می‌تواند در حل آن نقش ایفا کند. از این منظر، محله فقط یک محدوده جغرافیایی نیست؛ یک واحد اجتماعی و یکی از مهم‌ترین مقیاس‌های حکمرانی اجتماعی است.

حکمرانی مؤثر زمانی شکل می‌گیرد که مردم صرفاً دریافت‌کننده خدمات نباشند بلکه در تشخیص مسئله، طراحی راه‌حل، اجرا و ارزیابی نیز نقش داشته باشند.

اما چرا ورزش؟

در میان عرصه‌های مختلف اجتماعی، ورزش یک ویژگی منحصربه‌فرد دارد: مردم را برای یک تجربه مشترک گرد هم می‌آورد، پیش از آنکه لازم باشد بر سر همه چیز توافق داشته باشند. در زمین بازی، مسیر پیاده‌روی، بوستان، سالن ورزشی یا یک فعالیت خانوادگی، انسان‌ها پیش از آنکه نماینده موقعیت اجتماعی، اقتصادی، نسلی یا شغلی خود باشند، اعضای یک جمع‌اند. ورزش می‌تواند کودک و سالمند، زن و مرد، کارگر و کارفرما، جوان و پیشکسوت و گروه‌های مختلف اجتماعی را در یک تجربه مشترک کنار هم قرار دهد. به همین دلیل ورزش را نباید صرفاً یک فعالیت جسمانی یا حوزه‌ای برای اوقات فراغت دانست. ورزش می‌تواند زیرساخت نرم ارتباط اجتماعی باشد. مسئله اصلی، البته، خود ورزش نیست؛ بلکه رابطه‌ای است که ورزش امکان شکل‌گیری آن را فراهم می‌کند: حرکت، انسان‌ها را کنار هم می‌آورد؛ کنار هم بودن آشنایی ایجاد می‌کند؛ آشنایی، اعتماد می‌سازد؛ اعتماد، مشارکت را ممکن می‌کند؛ و مشارکت، ظرفیت حل مسئله را افزایش می‌دهد. از این منظر، ورزش هدف نهایی «نبض محله» نیست؛ دروازه ورود به زندگی اجتماعی محله است.

از ورزش به پیشگیری اجتماعی

بخشی از آسیب‌های اجتماعی در خلأ ارتباط شکل می‌گیرند؛ در تنهایی، فراغت ناسالم، بی‌تحركی، فقدان تعلق و نبود شبکه‌های حمایت اجتماعی. فعالیت بدنی منظم علاوه بر آثار مستقیم خود بر سلامت، فرصت تکرار دیدار و ارتباط را فراهم می‌کند. وقتی مردم به‌طور منظم یکدیگر را می‌بینند، یکدیگر را می‌شناسند و نسبت به وضعیت هم حساس می‌شوند، سرمایه اجتماعی در مقیاس کوچک شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، مربی ورزش، پیشکسوت، مادر محله، کاسب محلی، معلم، کارگر، بازنشسته یا جوان فعال می‌توانند به بخشی از شبکه اجتماعی پیشگیری تبدیل شوند. البته این افراد جای مددکار، روان‌شناس، پزشک یا نهاد تخصصی را نمی‌گیرند؛ اما می‌توانند نشانه‌های اولیه مسئله را ببینند، فرد نیازمند را بشناسند و او را با حفظ کرامت و محرمانگی به خدمات تخصصی متصل کنند. پیشگیری اجتماعی مؤثر، همیشه از مداخله رسمی آغاز نمی‌شود؛ گاهی از یک رابطه انسانی ساده و قابل اعتماد آغاز می‌شود.

نبض یا «رویداد» ایجاد نمی‌شود

یکی از خطاهای رایج در سیاست‌گذاری محله‌ای، تقلیل فعالیت اجتماعی به برگزاری رویداد است. افتتاح یک زمین ورزشی، برگزاری یک مسابقه، نصب چند تابلو یا اجرای یک برنامه مناسبتی می‌تواند لازم باشد اما هیچ‌کدام به‌تنهایی به‌معنای فعال شدن نبض محله نیست. نبض با یک‌بار زدن معنا پیدا نمی‌کند؛ ویژگی نبض استمرار است. ممکن است یک مسابقه ورزشی، هزاران نفر را برای چند ساعت گرد هم آورد اما اگر پس از پایان مسابقه هیچ رابطه، گروه، شبکه داوطلبانه یا مسئله مشترکی باقی نماند هنوز اتفاق مهمی در زندگی اجتماعی محله رخ نداده است. بنابراین معیار موفقیت «نبض

محله» نباید تعداد برنامه‌ها و افتتاح‌ها باشد؛ بلکه باید سنجید: آیا مردم دوباره و به‌طور مستمر گرد هم می‌آیند؟ آیا خانواده‌ها و زنان در فعالیت‌ها حضور دارند؟ آیا نوجوانان و سالمندان دیده می‌شوند؟ آیا افراد دارای معلولیت، امکان مشارکت دارند؟ آیا گروه‌های داوطلب محلی شکل گرفته‌اند؟ آیا اعتماد و ارتباط میان مردم افزایش یافته است؟ آیا مردم توانسته‌اند یک مسئله واقعی محله را شناسایی و برای حل آن اقدام کنند؟ هدف، ساختن شبکه اجتماعی است؛ نه صرفاً اجرای برنامه اجتماعی.

نبض محله؛ نقطه اتصال مأموریت‌های اجتماعی وزارتخانه

از منظر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، «نبض محله» می‌تواند، بستری برای اتصال چندین ظرفیت موجود در حوزه فرهنگی و اجتماعی باشد. در حوزه ورزش، هدف صرفاً افزایش تعداد فعالیت‌های ورزشی نیست؛ بلکه باید فعالیت ورزشی مستمر و در دسترس را به ابزار ارتباط اجتماعی تبدیل کرد. تربیت مربیان داوطلب، شناسایی فضاهای قابل استفاده، فعال‌سازی ظرفیت بوستان‌ها و فضاهای عمومی، توسعه لیگ‌های محلی و طراحی برنامه‌های متناسب با گروه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند، بخشی از این مسیر باشد. در حوزه ورزش کارگری نیز می‌توان از ظرفیت واحدهای تولیدی و اجتماعات کارگری فراتر از محیط کار استفاده کرد. لیگ‌های محلی و خانوادگی کارگری می‌توانند خانواده‌های کارگران، بازنشستگان، کارکنان واحدهای تولیدی و ساکنان پیرامون آن واحدها را به یکدیگر پیوند دهند. در حوزه آسیب‌های اجتماعی می‌توان «نظام مراقبت اجتماعی محله» را تقویت کرد؛ شبکه‌ای از معتمدان، داوطلبان و کنشگران محلی که نقش آنها تشخیص زود هنگام، ارجاع مسئولانه و تقویت پیوندهای اجتماعی است نه مداخله تخصصی. در حوزه فرهنگی نیز باید از الگوی «یک نسخه برای همه محلات» فاصله گرفت. هر محله دارای‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خود را دارد: پیشکسوتان، مفاخر، خانواده‌های اثرگذار، آیین‌ها، خاطرات جمعی، مشاغل، هنرها و تجربه‌های مشترک. سیاست فرهنگی محله‌محور باید ابتدا این دارایی‌ها را کشف سپس آنها را به سرمایه اجتماعی تبدیل کند. تقویت هویت محلی نیز به‌معنای فاصله گرفتن از هویت ملی نیست. برعکس، هویت ملی زمانی عمیق‌تر و پایدارتر می‌شود که مردم در کنار هویت ملی نسبت به محله، شهر و جامعه خود نیز احساس تعلق و مسئولیت داشته باشند.

محله باید با اقتصاد و حمایت اجتماعی نیز پیوند بخورد

زندگی اجتماعی بدون پشتوانه اقتصادی پایدار نمی‌ماند. بازارچه‌های محلی، تعاونی‌ها، مشاغل خانگی، اصناف، کسب‌وکارهای محلی، کارفرمایان و خیرین می‌توانند، بخشی از ظرفیت اقتصادی محله را برای حل مسائل اجتماعی همان محله به کار گیرند. در این الگو، دولت قرار نیست مجری همه امور باشد. دولت باید زیرساخت، داده، آموزش، تسهیل‌گری، حمایت حقوقی و دسترسی به خدمات عمومی را فراهم کند و امکان دهد که خود مردم بخشی از مسئله و راه‌حل را

در دست بگیرند. اصل مهم این است که مالکیت اجتماعی برنامه از جامعه محلی گرفته نشود.

مردم باید صاحب محله باشند

در «نبض محله»، مربی ورزش مدیر محله نیست؛ دستگاه دولتی نیز مالک محله نیست. هسته اجتماعی محله باید با حضور واقعی ساکنان شکل گیرد: زنان، جوانان، سالمندان، پیشکسوتان، کسبه، کارگران، افراد دارای معلولیت، خانواده‌ها و کنشگران مورد اعتماد. این هسته باید بتواند درباره مسائل محله گفت‌وگو کند، اولویت تعیین کند، اقدام جمعی سازمان دهد و از دستگاه‌های مسئول مطالبه پاسخ کند. بنابراین محله‌محوری صرفاً به‌معنای انتقال خدمات دولتی به محله نیست؛ بلکه به‌معنای انتقال بخشی از امکان تشخیص، تصمیم‌گیری، اقدام و نظارت به جامعه محلی است.

نبض محله؛ یک پروژه ملی با اجرای محلی

نباید انتظار داشت که یک نسخه واحد برای همه محلات کارآمد باشد. محله کارگری با محله روستایی، محله حاشیه‌ای با محله برخوردار و محله کلان‌شهری با یک شهر کوچک تفاوت دارد. حتی دو محله در یک شهر ممکن است، مسائل و ظرفیت‌های کاملاً متفاوتی داشته باشند. از این‌رو انتخاب محلات باید براساس ترکیبی از شاخص‌ها صورت گیرد: میزان محرومیت، دسترسی به امکانات ورزشی، وضعیت آسیب‌های اجتماعی، تراکم جامعه کار و تولید، ظرفیت شبکه‌های مردمی و آمادگی نهادهای محلی. اجرای طرح نیز باید مرحله‌ای، آزمایشی و یادگیرنده باشد؛ ابتدا در مقیاس محدود اجرا شود، نتایج آن سنجیده شود، خطاها اصلاح شود سپس توسعه پیدا کند.

این همان تفاوت میان «پروژه» و «سیاست» است؛ پروژه اجرا می‌شود؛ اما سیاست، یاد می‌گیرد و اصلاح می‌شود.

از حرکت بدن تا حرکت جامعه

«نبض محله» در نهایت یک پروژه ورزشی نیست؛ تلاشی برای بازگرداندن مردم به متن زندگی اجتماعی و حکمرانی اجتماعی است. ما می‌خواهیم ورزش، آغاز یک رابطه باشد؛ نه پایان یک برنامه. رابطه‌ای که از حرکت جسم به حرکت اجتماع، از آشنایی به اعتماد، از اعتماد به مشارکت، از مشارکت به همکاری و از همکاری به حل مسئله برسد. اگر پس از پایان یک مسابقه، مردم فقط به خانه‌های خود برگردند یک مسابقه برگزار کرده‌ایم. اگر پس از پایان مسابقه، مردم یکدیگر را بشناسند، دوباره به میدان بازگردند، گروهی تشکیل دهند، مسئله‌ای را شناسایی کنند و برای حل آن کنار هم بایستند، آنگاه اتفاقی فراتر از ورزش رخ داده است. نبض محله یعنی بازگشت رابطه به زندگی روزمره مردم و شاید مهم‌ترین سنجه موفقیت همین باشد: ورزش تمام شود اما رابطه باقی بماند؛ برنامه تمام شود اما مشارکت ادامه پیدا کند؛ و دولت عقب‌تر بایستد اما جامعه جلوتر بیاید. آن روز می‌توان گفت: نبض محله واقعاً می‌زند.

آگهی تحدید حدود اختصاصی

۱ - برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۱۰۰۵۷۷۸ مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۱۳ کلاسه ۱۴۰۵۰۲۶۵۶/۱۰۰۱۴۴۴۰۹۰۱۰۰۲۶۵۶ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سندرستی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم زهرانی فرزند صفر کد ملی ۵۹۰۹۶۵۵۴۴۲ در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۴۶۵/۸۹ متر مربع پلاک ۴۸۲ فرعی از ۵۳ اصلی بخش ۱۴ واقع در روستای الولک قزوین مورد تایید قرار گرفته است.

۲- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۱۰۰۵۷۵۸ مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۱۳ کلاسه ۱۴۰۵۰۲۶۱۳/۱۰۰۱۴۴۴۰۹۰۱۰۰۲۶۱۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهرا نبی فرزند صفر کد ملی ۵۹۰۹۶۵۵۴۴۲ در ششدانگ یک قطعه باغ و مستحدثات به مساحت ۶۵۰/۹۶ متر مربع پلاک ۴۸۳ فرعی از ۵۳ اصلی بخش ۱۴ واقع در روستای الولک قزوین مورد تایید قرار گرفته است.

از آنجاییکه تحدید حدود پلاک ۵۳ اصلی بخش ۱۴ تاکنون به عمل نیامده و عمل به تبصره ذیل ماده ۱۵ قانون ثبت نیز میسر نیست لذا بنا به تقاضای خانم زهرانی تحدید حدود پلاک فوق در روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ ساعت ۱۰:۳۰ صبح به وسیله نماینده و نقشه بردار این اداره در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد. بدینوسیله به مالکین مجاور اخطار می شود که در روز و ساعت مقرر در آگهی در محل حضور به هم رسانند مجاورین معترض که در محل حضور نداشته باشند. می توانند طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت جلسه تحدیدی لغایت سی روز اعتراض کتبی خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تنظیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به این اداره تسلیم نماید. با ارائه گواهی مزبور این اداره بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد.

شناسه آگهی: ۲۲۷۸۲۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۲۵

رو نوشت: جهت اطلاع به آقایان مجید خویان و امین ناصری نماینده و نقشه بردار ابلاغ میگردد
سید محمود حسینی
رئیس ثبت اسناد املاک

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۴۵۶۰۱۳۸۴۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه ۲ ساری تصرفات مالکانه فیض اله جعفرزاده فرزند طهماسب به شماره ملی ۱۶۳۱۶۴۲ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی پلاک ۵۷۰۳ فرعی به مساحت ۱۶۹ مترمربع قسمتی از پلاک ۳- اصلی واقع درقریه آزادگلگه بخش ۴ ثبت ساری

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۲۵۵۵۲۵

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۶/۲۵

باسرملکی
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیأت مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد مورد رسیدگی و تأیید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) بشرح ذیل آگهی می گردد :

بخش دو بجنورد پلاک ۱۶۹ اصلی اراضی صدرآباد
۱- ششدانگ یکباب مغازه در قسمتی از پلاک ۱۳۰ فرعی -۱۶۹ اصلی به مساحت ۴۱/۴۰ متر مربع ایتبایی خانم سعیده نعمتی به شماره ملی ۰۶۷۰۲۷۲۶۹۸ از محل مالکیت رسمی خود متقاضی (خانم سعیده نعمتی) برابر رای شماره ۲۳۱۸ - ۱۴۰۵ - مورخه ۱۴۰۵/۰۲/۲۵ کلاسه پرونده ۱۳۵۷-۱۴۰۴

لذا بدین وسیله به فروشنندگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.شناسه آگهی ۲۲۶۳۰۵۴

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم۱۴۰۵/۰۶/۲۵
مهدی سیاوشی
رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد

